

با پیامبر ﷺ در حج

مؤلف:

سید جمال الدین «هروی»

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

نوبت چاپ: اول

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

ناشر: مطبعه دولتی هرات باستان

برای ارتباط با مؤلف با این ایمیل تماس بگیرید:

Sjamal_h@hotmail.com

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

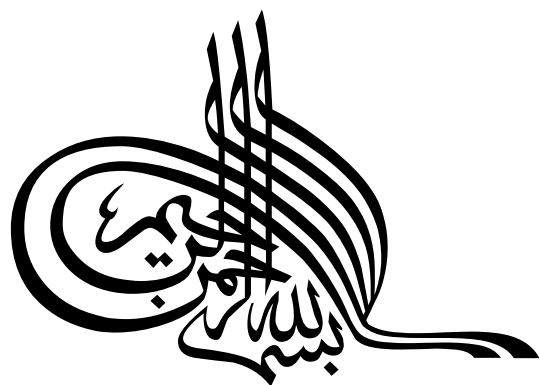
www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com



فهرست مطالب

تقریظ	۵
پیشگفتار	۶
یادآوری	۱۲
فصل نخست احوال پیامبر ﷺ در حج با پروردگار	۱۷
۱- توحید و یگانگی پروردگار	۱۸
جابر ابن عبدالله انصاری <small>رضی الله عنه</small> کلمات تلبیه را از آن حضرت این طور نقل می کند: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمَلِكَ لَا شَرِيكَ لَكَ».	۱۸
ب - اهتمام خاص پیامبر خدا <small>ﷺ</small> به اخلاص عمل: و دعای آن حضرت به حضور پروردگار که او را از ریا و خود بینی به دور نگه دارد؛ چنانکه در حدیث انس <small>رضی الله عنه</small> آمده که پیامبر <small>ﷺ</small> در هنگام بستن احرام فرمود: «اللَّهُمَّ حِجَّةَ لَا رِيَاءَ فِيهَا وَلَا سَمْعَةَ».	۱۸
۲- تعظیم شعائر الله	۲۱
۳- اظهار برائت از مشرکین و مخالفت با آنها	۲۹
۴- کثرت مناجات و دعاء	۳۷
۵- رعایت حدود الله	۴۱
۶- خشوع و آرامش	۴۴

- ۷- انجام کارهای خیر ۴۷
- ۸- توازن و اعتدال ۵۱
- ۹- زهد و بی رغبتی در دنیا ۵۳
- فصل دوّم احوال پیامبر ﷺ در حج با اهل بیت و اقارب ۶۱**
- ۱- آموزش مناسک حج برای آنها ۶۲
- ۲- مأمور نمودن ایشان به تهیه وسایل سفر قبل از بیرون شدن ۶۴
- ۳- تشویق آنها بر شرکت در مراسم حج ۶۵
- ۴- کمک خواستن از آنها در امور حج ۶۷
- ۵- تشویق اهل بیت بر کارهای خیر و عام المنفعه ۶۹
- ۶- وقایه اهل از وقوع در فتنه ۷۰
- ۷- نهی از منکر ۷۳
- ۸- آسانی و سهولت ۷۴
- ۹- صبر و برد باری ۷۶
- ۱۰- همدردی با اهل و اقارب ۷۷
- ۱۱- احسان و نیکی با ایشان ۷۸
- فصل سوّم احوال پیامبر ﷺ در حج با اّمّت ۸۳**
- ۱- درس و تعلیم ۸۳
- ۲- افتاء ۹۲
- بردباری آن حضرت در مقابل سؤال کنندگان ۹۵

- ۹۶..... فتاوی پیامبر ﷺ در امور حج
- و از جمله فتاوی آن حضرت در امور غیر حج ۹۶
- تنوع جوابدهی آن حضرت برای سؤال کنندگان ۹۷
- ۳- پند و اندرز ۱۰۰
- ۴- توحید مصدر تلقی (فرماندهی واحد) ۱۱۱
- ۵- وحدت کلمه و دوری از فتنه و اختلاف ۱۱۸
- ۶- فرماندهی کامیاب ۱۲۲
- و- صبر و شکیبائی ۱۳۹
- ز- رفق و نرمی ۱۴۰
- فصل چهارم جوانب دیگری از قیادت آن حضرت در موسم حج .. ۱۴۷**
- ۱- نظم و اداره ۱۴۷
- ۲- رعایت حقوق دیگران ۱۴۷
- ۳- تشویق گروههای داو طلب ۱۴۸
- ۴- ترک سرزنش خطاکار ۱۴۹
- ۵- محبت و مودت ۱۵۰
- ۶- متانت و زیبایی ۱۵۱
- خاتمه ۱۵۳
- فهرست بعضی از مراجع و مأخذ ۱۵۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الدكتور محمد الكريم بن ابراهيم آل حبيب

إن الحمد لله محمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا من يهده الله فلا مضل له ومن يضلل فلا هادي له وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمدا عبده ورسوله يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ * يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا أما بعد : فإنني اطلمت على ما كتبه الأخ الكريم سيد جمال الدين المسروي أحوال النبي ﷺ في الحج فوجدته كتابا مميذا يحمل معلومات مهمة وجيدة مفيدة للحجاج والزائرين ، وسررت غاية السرور لما أطلعني عليه مترجما بغير العربية كسي تعم الفائدة ، خصوصا وأن الأخ متمكن من اللغة العربية والعلوم الشرعية فهو موثوق من هذا الجانب ، زاد على ذلك حرصه على أن يعرض عمله على شيوخه ، ويستفيد من ملاحظاتهم وتوجيهاتهم أسأل الله لنا وله التوفيق والسداد .
وصلى الله وسلم على نبينا سيدنا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين .

كتبه
الدكتور/ عبد الكريم بن إبراهيم آل غصية الحسيني الهامسي
مفتي المسجد النبوي

١٤٢٦

بسم الله الرحمن الرحيم

تقریظ

الدكتور/ عبد الكريم بن إبراهيم آل غصيه مفتي حرم نبوي - مدینه منوره
اما بعد: از کتابی که برادر سید جمال الدین هروی در باره ی حج پیامبر خدا
صلی الله علیه وسلم نوشته است مطلع شدم، آنرا کتابی متمیز یافتم که
معلومات مهم و بسیار مفید را برای حجاج و زائرین بیت الله الحرام در
بردارد.

و آنگاه که دانستم این کتاب بخاطر استفاده بیشتر به غیر عربی (زبان فارسی)
به نشر میرسد بی نهایت خوشحال شدم و خصوصاً اینکه برادر به زبان عربی و
علوم اسلامی اطلاع کامل دارد و از این ناحیه مورد اطمینان است، به علاوه
از آن نوشته های خویش را خدمت علماء تقدیم کرده و از رهنمائی ها و
توجیهاات آنها استفاده می کند.

از خداوند متعال برای خود و برای ایشان خواهان توفیق و استقامت هستم.
وصلی الله وسلم علی نبینا و سیدنا محمد و علی آله و صحبه أجمعین.

نوشته:

دکتر عبد الکريم بن إبراهيم آل غصيه الحسینی الهاشمی

مفتی حرم نبوی - مدینه منوره

پیشگفتار

الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله والصلاة والسلام على معلم البشرية ومنقذهم من الضلالة نبينا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين ومن اقتفى أثره ونهج سبيله إلى يوم الدين.

خداوند متعال بندگان خود را به پیروی از پیامبر خویش امر کرده، و می

فرماید:

﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ

اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (الحشر: ۷).

«و هر چه پیامبر ﷺ برای شما (از احکام الهی) بدهد آنرا بگیریید و هر چه

شما را از آن منع کند باز ایستید و از خدا بترسید هر آئینه عقوبت خدا سخت

است.»

و همین طور خداوند بزرگ پیامبرش را الگوی نیکو برای بندگان قرار

داده، و فرموده است:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ

الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ (الأحزاب: ۲۱).

«به راستی شما را به پیامبر خدا پیروی نیک است برای کسی که به ثواب خدا و روز آخرت توقع داشته باشد و خدا را بسیار یاد کند».

و ربّ العزت خبر میدهد که اطاعت از پیامبر رمز محبت با او تعالی می باشد:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (آل عمران: ۳۱).

«ای محمد) بگو اگر خدا را دوست می دارید، از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهان شما را برای شما ببامرزد و خدا آمرزنده مهربان است».

و خداوند واضح و مبرهن نموده که اطاعت از پیامبر جزء از اطاعت او می باشد چنانچه می فرماید:

﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ ۗ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا﴾ (النساء: ۸۰)

«هر که از پیامبر اطاعت کند، در حقیقت از خدا اطاعت کرده و هر که روی گرداند پس تو را برایشان نگهبان نفرستادیم».

و برای کسی که از رسول خدا پیروی نماید و امر او را به جای آورد از جانب خداوند ثواب بزرگی وعده داده شده است:

﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا﴾
(النساء: ۶۹).

«و هر که خدا و رسول را فرمان برد هم‌نشین کسانی خواهد بود که خدا بر ایشان انعام کرده است از پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان، و آنها چه دوستان خوبی هستند!».

و فریضه حج از مهمترین ارکان اسلام است که اتباع و اطاعت از رسول خدا ﷺ را در آن بطور واضح مشاهده می‌نمائیم.

قابل یاد آوری است که عده‌ی از علماء و دانشمندان اسلامی در عصرهای مختلف جوانبی از احکام حج، چگونگی صحت و بطلان مناسک، بعضی از اخطای حجاج و ... را در کتب و رسائل مستقل بیان کرده‌اند، و در تلاش خویش بخاطر پخش و نشر علم و راهنمایی مسلمانان در مسائل متعلق به حج کامیاب و موفق بوده‌اند.

اما یک جانب احتیاج به عنایت و اهتمام بیشتر داشت و آن احوال و سیرت پیامبر ﷺ در حج بود که در زندگی شخصی روز مره، بر خورد با اهل و اقارب، رفتار با دوستان و صحابه کرام و بالآخره رهنمائی امت در خلال این سفر عظیم و تاریخی چه کارهایی انجام داده‌اند؟!.

با دانستن این امور و تطبیق آنها حکمت‌ها و مقاصد حج دانسته شده و قدمی بزرگ بسوی عبودیت بهتر بر داشته خواهد شد.

و دیگر اینکه تعداد زیادی از مسلمانان از احوال و سیرت پیامبر صلی الله علیه وسلم در موسم حج بیخبرند و فقط به دانستن بعضی احکام و مناسک اکتفا می‌کنند.

و همچنین موجودیت همسران رسول خدا و بسیاری از اهل و اقارب ایشان در این سفر که گوشه‌های از سیرت پاک آن حضرت را با همسران و خویشاوندان واضح می‌سازد بطوریکه پیش از این میسر نبوده از اهمیت ویژه‌ی برخوردار است.

نکته مهم اینکه حج طبیعت خاص خود را دارد، و رسول خدا ﷺ در این سفر با افراد و گروه‌های مختلفی از مسلمانان ملاقات و دیدار نموده‌اند، که شاید برای بعضی از این افراد، اولین ملاقات با آنحضرت بوده که در جای خود اهمیت بسزای دارد.

و بالاخره اینکه از خلال مطالعه این کتاب معانی و مقاصدی واضح خواهد شد که از خلال کتابهای احکام و مسائل فقهی هرگز به ذهن نمیرسد. این رساله همان طوری که از نام آن پیداست سفری مبارک و خاطرات زیبا و دلچسب با رسول خدا ﷺ در موسم حج است که از مصادر موثق حدیثی و از بین احادیث صحیح انتخاب شده است و گوشه‌هایی از احوال پیامبر ﷺ را در حج طوری واضح می‌گرداند که خواننده محترم شاید

اینطور تصور نماید که قبل از این به هزار و چهار صد سال در حجّه الوداع با رسول خدا همسفر است.

لحظه به لحظه از زمان حرکت از مدینه منوره، در اثنای سفر و بالآخره طواف کعبه معظمه و ایستادن به عرفات و بازگشت دوباره بسوی مدینه عبادت، قیادت و برخورد پیامبر گرامی اسلام ﷺ با اقشار مختلف اعم از اهل و اقارب، دوستان و صحابه کرام، زنان و مردان را مشاهده می نماید و لذت می برد که چگونه رسول خدا این توده های عظیم انسانی را سر پرستی و قیادت کرده اند.

و امروزه که از یک طرف اختلاف و تفرقه امت اسلامی را به ضعف و فلاکت نشانده و از جانب دیگر حرکت های ضد دینی (سیکولر، ماسونی و...) با اهداف و برنامه های دقیق بر پیکر امت اسلامی خنجر می زنند، بر دعوتگران و اصلاح گران مسلمان لازم است تا از حج، این کنگره جهانی اسلام استفاده بیشتر نمایند، برای حجّاج درس محبت و وحدت و دوری از تفرقه و اختلاف داده، در ذهن های آنها مفهوم {امت اسلامی} و عروج دوباره این امت را ترسیخ نمایند تا هریک از حجّاج که به موطن خویش باز میگردند، مناره نور و رمز وحدت در سرزمین های خویش باشند، تا باشد که ازین طریق گامی مهم در جهت رشد، شمولیت و جهانگیری افکار اسلامی بر داشته سیر هجومی و صعودی در مقابل حملات دشمن داشته باشیم و عملاً

ثابت سازیم که افکار ضد اسلامی در مقابل ما یارای جوابدهی و رمقی برای دفاع از خویشتن ندارند.

و چونکه در باره نسک و احکام حج کتابها و رساله های زیادی نوشته شده، و همچنین مسائل حج خیلی وسیع تر از این نوشته می باشد؛ لهذا درین رساله احکام، مسائل و اختلاف های فقهی و مسلکی بر رسی نشده است بلکه به هر آنچه که از رسول خدا درین سفر مبارک ثابت شده، اکتفا شده است. و بخاطر استفاده بهتر، موضوعات این کتاب به چهار بخش تقسیم شده است:

- ۱- احوال پیامبر صلی الله علیه وسلم در حج با پروردگار.
- ۲- احوال پیامبر صلی الله علیه وسلم در حج با اهل و اقارب.
- ۳- احوال پیامبر صلی الله علیه وسلم در حج با امت.
- ۴- جوانب دیگری از قیادت آن حضرت صلی الله علیه وسلم در موسم حج.

از خداوند متعال جلّ جلاله خواهانم چنانکه به فضل و کرم خویش توفیق طبع و نشر این کتاب را داد، آنرا کتاب مفید برای حجاج و معتمرین و توشه آخرت برای گرد آورنده بدارد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

سیدجمال الدین «هروی»

دوازدهم ربیع الاول ۱۴۲۷ هـ

مدینه منوره.

یادآوری

قابل یاد آوری است که ابحاث کتاب در دست داشته‌ی شما در واقع مأخوذ از کتاب (احوال النبی فی الحج) تألیف علامه (البعدانی) می باشد و چون که بحد کافی در کتاب کمی و زیادی و تقدیم و تأخیر روا داشته ایم؛ لهذا مناسب ندانستم این کتاب را ترجمهٔ احوال النبی فی الحج معرفی بدارم تا که خواننده نقصانات و کمی های این کتاب را به دوش علامه بعدانی نیندازد؛ بلکه هر آنچه از کمال و خوبی مشاهده شد از طرف خداوند بزرگ و آنچه از نقص دیده شد، امیدوارم که در اسرع وقت به اطلاع برسانید تا در چاپهای بعدی رفع گردد.

و ناگفته نباید گذاشت که سعی شده است در این کتاب فقط به احادیث صحیح استدلال شود و از آوردن احادیث جعلی و یا ضعیف به شدت اجتناب شده، و اگر در سند حدیثی بین محدثین اختلاف باشد، در پا ورقی تذکر داده شده است.

و چون که در طبعات و چاپ های کتب حدیث فرق می باشد، لهذا شمارهٔ حدیث ذکر شده است تا اگر خوانندهٔ محترم به کتب حدیث مراجعه نمود، دچار مشکل نشود.

و همینطور به تناسب حال کتاب گاهی به برخی مسائل عقیدوی، فقهی و تاریخی در پاورقی اشاره شده و ترجمهٔ اعلام را نیز از کتب معتبر فن آورده ایم.

ترجمهٔ آیه های قرآن مجید، با اندکی تصرف از ترجمهٔ شاه ولی الله محدث دهلوی "رحمه الله" انتخاب شده است.

والسلام

فصل نخست

احوال پیامبر ﷺ در حج با پروردگار

توحید و یگانگی پروردگار.

اظهار برائت از مشرکین

رعایت حدود الله

خشوع و آرامش

توازن و اعتدال

فصل نخست

احوال پیامبر ﷺ در حج با پروردگار

پیوند وسیع با پروردگار و ارتباط قوی با ذات پاک او دارائی متقیان و سرمایه نیکو کاران است.

و فریضه حج از مهمترین پرورشگاه های روحی و مراکز پرهیزگاری شمرده میشود که نفسهای انسانی را باگردش در مقامات بندگی و منازل کرنش و انکسار در پیشگاه خدای پاک تربیت می نماید.

رسول خدا ﷺ در موسم حج با وجود مسئولیت های مختلف از قبیل راهنمایی، تعلیم و قیادت امت، سرپرستی همسران خویش و رعایت حال آنها و بقیه اهل بیت کمال بندگی و عبودیت در برابر پروردگار بزرگ را نیز بجای آوردند.

همه این مسئولیت ها بین آن حضرت و رابطه عمیقی که باخالقش داشت حائل واقع نشده و ایشان را از انکسار و خضوع کامل در مقابل رب الارباب بازداشته نمیتوانست.

و اگر جوانب تواضع و انکسار پیامبر در مقابل پروردگار را -در موسم حج- بر شمریم موضوع به درازا می انجامد؛ لهذا به ذکر مهمترین این جوانب اکتفای نمائیم:

۱- توحید و یگانگی پروردگار

مسأله توحید از واضح ترین و مهمترین قضایای شمرده می شود که رسول خدا ﷺ در حج به آن تأکید کرده و اهمیت آن را بیان نموده اند و از بارز ترین جوانبی که مسأله توحید در آن بوضوح بنظر می رسد مواردی را ذکر می کنیم:

الف - تلبیه: که شعار حج بوده، و متضمن افراد خدای لا شریک در ملک و عبادت است و پیامبر خدا بعد از نیت داخل شدن در حج تا وقت مشاهده خانه کعبه بطور مداوم تلبیه را تکرار می نمودند.

جابر ابن عبدالله انصاری رضی الله عنه کلمات تلبیه را از آن حضرت این طور نقل می کند: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمَلِكَ لَا شَرِيكَ لَكَ»^۲.

ب - اهتمام خاص پیامبر خدا ﷺ به اخلاص عمل: و دعای آن حضرت به حضور پروردگار که او را از ریاء و خود بینی به دور نگه دارد؛ چنانکه

۱ - مراد از تلبیه، گفتن "لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ..." است که شخص حاجی یا معتمر از زمان بستن احرام تا رؤیت کعبه مشرفه بطور مداوم و مستمر این جملات را تکرار می نماید.

۲ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

در حدیث انس رضی الله عنه آمده که پیامبر ﷺ در هنگام بستن احرام فرمود: «اللهم حجة لا رياء فيها ولا سمعة^۱».

«ای بار خدایا! توفیق حجی را می خواهم که رياء و شهرت در آن نباشد».

ج - خواندن سوره های اخلاص در دو رکعت طواف: امام ترمذی با سند صحیح روایت نموده که آن حضرت -صلی الله علیه وسلم- سوره های اخلاص (قل یا أيها الکافرون -و- قل هو الله أحد) را در دو رکعت طواف قرائت نمودند^۲.

د- تبلور جوانبی از توحید در نیایش آن حضرت بر بالای صفا و مروه: چنانکه جابر انصاری رضی الله عنه در حدیث طویلی حج ایشان را بطور مفصل بیان می نماید: (... بعدا بر تپه "صفا" بالا رفت تا اینکه بیت الله را دید، رو به قبله نموده "الله" را به یگانگی یاد کرد و بزرگیش را بیان نمود و فرمود: هیچ معبودی جز خداوند یکتا شایسته عبادت نیست، پادشاهی و ستایش برای او است، و او بر هر چیز توانا می باشد... سه مرتبه این جملات و یا مشابه اینها را

۱ - سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۲۸۹۰، حافظ ابن حجر اسناد این حدیث را در فتح الباری جلد ۳ صفحه: ۴۴۶ ضعیف گفته، و علامه ناصرالدین آلبانی نظر به تمام طرق حدیث آنرا در سلسله الاحادیث الصحیحه حدیث شماره: ۲۶۱۷ صحیح قرار داده است.

۲ - جامع الترمذی، حدیث شماره: ۸۶۹.

تکرار نمود پس از آن به "مروه" آمده و اعمال و دعاهایی را که به صفا انجام داده بود در مروه نیز تکرار نمود.^۱

هـ- نیایش توحیدی آن حضرت در عرفه؛ چنانکه در حدیث آمده: بهترین دعا، دعای روز عرفه است و بهترین دعای که من میگویم و پیامبران پیش از من گفته اند: «لا إله إلا الله وحده، لا شريك له، له الملك وله الحمد وهو علي كل شئ قدير»^۲ است.

با تأسف شدید امروزه هر بیننده متوجه جهل و نادانی میشود که دامنگیر مسلمانها شده است، و همچنین مشاهده میشود که انواع بدعت ها و خرافات حتی در مراسم بزرگ و جهانی حج در بین مردم به چشم می خورد. بدیهی است که مسئولیت عظیم ارشاد و راهنمایی مسلمانها بسوی اصل دین و حقیقت توحید که پیامبران به خاطر آن فرستاده شده اند و بر حذر داشتن آنها از همه انواع و اقسام شرک و بدعت به دوش علماء و دعوتگران میباید.

اهمیت مسأله توحید و تقدیم آن بر سایر ارکان عملی اسلام از سیرت پیامبر بزرگ اسلام است آنگاه که معاذ رضی الله عنه را بسوی "یمن" فرستاد برایش گفت: ایشان را به گواهی بر کلمه توحید (لا إله إلا الله) و بر اینکه من

۱ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۲ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۳۵۸۵.

پیامبر خدا هستم دعوت بده، اگر این دعوت ترا پذیرفتند؛ آنها را بفهمان که خدای متعال در هر شبانه روز پنج نماز بر آنها فرض نموده است، و اگر این را نیز اطاعت کردند، به ایشان خبر بده که خدای بزرگ بر آنها صدقه در مالهایشان فرض گردانیده که از ثروتمندان شان گرفته شده به فقرای آنها تقسیم میشود^۱.

پس چه جالب و لایق است برای حجاج محترم که خود بر توحید استوار باشند و خویشان را داعی و حامل لوای توحید قرار دهند.

۲- تعظیم شعائر الله^۲

خداوند متعال بندگانش را به بزرگداشت و تعظیم شعائر خویش و حفظ و احترام آنها تشویق نموده و آنرا رکن تقوی و شرط بندگی و راه رسیدن به ثواب و حصول خیر قرار داده و میفرماید:

﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمَ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ (الحج: ۳۲).

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۳۹۵.

۲ - شعائر جمع شعیره به معنای نشانه و علامه است. و مراد از شعائر الله نشانه ها و مواضع عبادت او تعالی می باشد. "عطا" که از تابعین مشهور است، می فرماید: شعائر الله تمام آن چیزهای است که خداوند متعال به آن امرنموده و یا از آن باز داشته است. "حسن" می فرماید: "هی دین الله کله". برای معلومات بیشتر به تفسیر "الجامع لأحكام القرآن" از علامه قرطبی ۳۷/۲ مراجعه شود.

«(حکم) اینست و هر کس که شعائر خدا را تعظیم کند پس این تعظیم از تقوای دلهاست».

و در مقابل، خداوند متعال از استخفاف به شعائر دین و هتک حرمت آنها و نزدیک شدن به حدود الهی و ارتکاب اعمال غیرمشروع بر حذر داشته و خصوصا در باره خانه خویش می فرماید:

﴿وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُدِقُهُ مِنْ عَذَابِ الْيَمِّ﴾ (الحج: ۲۵).

«و کسی که از روی ستم در آنجا کجروی خواهد، او را از عذاب دردناک می چشانیم».

پیشوای پیامبران و سردار انسانها حضرت محمد ﷺ که سر خیل همه خاصان خدا و عارفان کلام الهی است، در حفظ حرمت و عظمت شعائر الله نیز قدوة نیک برای همه مسلمانها بوده اند.

و در مراسم حج تعظیم پیامبر به شعائر حج^۱، مراعات حدود، حفظ و احترام به آن در جوانب مختلف به نظر میرسد.
از آن جمله:

الف: غسل کردن برای احرام، تولید سراو استعمال بهترین انواع عطر که آن حضرت در اختیار داشته اند:

۱ - مراد از شعائر حج، اعمال نسک و جاهای آن می باشد. نگا: تحفة الأحوذی از علامه

چنانچه در حدیث زید ابن ثابت رضی الله عنه آمده که: "او پیامبر ﷺ را دید که به یکجانب رفت و برای احرام غسل نمودند"^۲.

عائشه صدیقه - رضی الله عنها - می فرماید: آن حضرت را قبل از اینکه احرام ببندد، با بهترین انواع خوشبوئی که در دسترس داشتم خوشبو ساختم، تا اینکه درخشش و لمعان خوشبوئی را در سر و ریش مبارک آنحضرت مشاهده نمودم^۳.

ب: بردن شترها به همراه خویش از "ذو الحلیفه" برای قربانی: و شتر از جمله شعائر الله است.

خداوند متعال می فرماید:

﴿وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعَائِرِ اللَّهِ﴾ (الحج: ۳۶)

"و شتران (قربانی) را برای شما از شعائر الله گردانیده ایم".

۱ - در تولید سر، ماده چسب مانندی را به سر می زنند تا که موی سر جمع و یکجا شده و از نشر و پخش موی و یا اینکه در اثنای احرام در آن شپش پیدا شود، جلوگیری شود.
نگاه: فتح الباری از حافظ ابن حجر ۴۰۰/۳.

۲ - جامع الترمذی حدیث شماره: ۸۳۰.

۳ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۵۹۲۳. برای تحقیق بیشتر به لسان العرب، ماده "وَبَص" "وَبَص" مراجعه شود.

و هم چنین "اشعار ۱" و "تقلید ۲" بعضی از شتران بدست مبارک خود چنانچه در حدیث عبدالله بن عباس رضی الله عنه آمده که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز ظهر را در "ذو الحلیفه" خوانده، بعدا ماده شترش را طلب نمود و طرف راست کوهان آنرا اشعار کرد تا که خون جاری شد و پس از آن دو نعل (کفش) را به گردن آن آویزان کرد.^۳

حافظ ابن کثیر - رحمه الله - می فرماید: حدیث فوق بر این امر دلالت می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله اشعار و تقلید این شتر را خودش فرموده و اشعار و تقلید بقیه شترها را به اصحابش واگذار کرده است.^۴

و روایت دیگری این قول را تقویت می بخشد که: پیامبر صلی الله علیه و آله امر فرمود شترانی را که برای قربانی آورده اند از جانب راست کوهان اشعار نمایند.^۵

۱ - مراد از اشعار شتر بریدن قسمتی از کوهان آن است تا که خون جاری شود و نشانه ای باشد که این شتر برای قربانی است.

۲ - تقلید: آویزان کردن قلاده "گردن بند" بر بالای کوهان و یا گردن شتر، تا که دانسته شود که این شتر بخاطر قربانی در مراسم حج برده میشود.

۳ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۴۳.

۴ - السیرة النبویه لابن کثیر ۴/۲۲۸.

۵ - صحیح ابن خزیمه، حدیث شماره: ۲۶۰۹. صحیح ابن حبان، حدیث شماره:

و هم چنین نهی فرمودن آن حضرت از سوار شدن مالهای قربانی مگر برای کسی که سواری دیگری پیدا نکند.

جابر ابن عبدالله رضی الله عنه روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله برایش گفتند:

اگر مجبور شدی تا وقت یافتن سواری دیگری میتوانی شترهای قربانی را سوار شوی ۱.

ج: تلبیه مستمر از زمان شروع نسک تا وقت زدن "جمره عقبه" در روز قربانی (روز دهم): چنانکه در حدیث ابن عباس رضی الله عنه آمده است که: پیامبر صلی الله علیه و آله تا وقت زدن جمره عقبه تلبیه میگفت ۲.

عبدالله ابن مسعود رضی الله عنه می فرماید: قسم به ذاتی که محمد صلی الله علیه و آله را به حق فرستاد، من از "منی" تا "عرفه" با ایشان بودم، "تلبیه" را تا وقت زدن جمره عقبه ترک نکردم، مگر اینکه گاهی تهلیل و تکبیر نیز می گفت ۳.

و آن حضرت تلبیه را با صدای بلند می گفت حتی که صحابه کرام نیز می شنیدند، روایت ابن عمر رضی الله عنهما شاهد اینست که می فرماید:

۱ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۳۲۴.

۲ - سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۳۰۴۰.

۳ - المستدرک للحاکم ۱/۴۶۱. صحیح ابن خزیمه، حدیث شماره: ۲۸۰۶ با اسناد "حسن".

شنیدم که پیامبر خدا در حالی که بر سر مبارک خویش ماده چسپناکی زده بود با صدای بلند می گفت: "لَيْيِكَ اللَّهُمَّ لَيْيِكَ..."^۱

۵: غسل نمودن آن حضرت قبل از داخل شدن به مکه مکرمه؛ تا گرد و غبار سفر را دور نموده باشد و با نظافت تمام وارد مکه شود و این از جمله تعظیم شعائر الله است، و آنگاه که به مسجد الحرام داخل شد اول به طواف خانه شروع نمود، چنانکه "نافع"^۲ روایت می کند هرگاه که ابن عمر رضی الله عنهما به مکه مکرمه می آمد، شب را در "ذو طوی" سپری می کرد، بعدا غسل نموده و در روز به مکه داخل می شد و می گفت: پیامبر ﷺ این کار را انجام داده اند.^۳

هـ: در بغل گرفتن "حجر الأسود" و بوسیدن آن، گریه نمودن در آن لحظه و لمس کردن "رکن یمانی":

ابن عباس رضی الله عنهما می فرماید که عمر فاروق رضی الله عنه "حجر الأسود" را گرفته و بوسید و گفت: من یقین کامل دارم که تو سنگ هستی (به کسی

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۵۹۱۵، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۱۸۴.

۲ - نافع از مشهورترین شاگردان عبدالله بن عمر می باشد، در سال ۱۱۷ هجری وفات یافت. و در اصطلاح محدثین، روایت امام مالک از نافع از عبدالله بن عمر به "سلسله طلائئ" حدیث شهرت دارد. نگا: تقریب التهذیب از حافظ ابن حجر صفحه: ۶۲۵، راوی شماره: ۷۰۸۶.

۳ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۵۹.

نفع و یا ضرر رسانیده نمی توانی) و اگر نمیدیدم که محبوب من (رسول الله صلی الله علیه وسلم) تو را بوسیده و در بغل گرفته هرگز تو را نمی بوسیدم و در بغل نمی گرفتم!

و: نماز خواندن آن حضرت پشت مقام ابراهیم، ابتدا نمودن سعی از "صفا" و ایستادن آن جناب بر "صفا" و بر "مروه": که هم ذکر می نمود و هم دعاء می کرد.

طوریکه جابر انصاری رضی الله عنه روایت میکند: "... بعدا آن حضرت به مقام ابراهیم آمد و این آیه مبارکه را تلاوت فرمود:

﴿وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ﴾ (البقرة: ۱۲۵) دو رکعت نماز بجای آورد در حالیکه مقام ابراهیم در بین پیامبر اکرم ﷺ و خانه کعبه قرار داشت ... پس از آن بطرف "صفا" آمد و چون بر صفا بالا رفت ﴿إِنَّ الصَّافَا وَالْمَرَوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ﴾ (البقرة: ۱۵۸) را تلاوت نمود، بر بالای صفا قرار گرفت تا که خانه ی کعبه را خوب مشاهده کرد روی به قبله آورده، خدا را به یگانگی یاد نمود، تکبیر گفت و فرمود: «لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير، لا إله إلا الله وحده، أنجز وعده،

۱ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۷۱، مسند احمد حدیث شماره: ۱۳۱ با اسناد جید و قوی.

ونصر عبده، وهزم الأحزاب وحده». بعدا دعا نمود و سه مرتبه این جملات را تکرار کرد.

پس از آن به طرف "مروه" پائین آمد و اعمالی را که بر "صفا" انجام داده بود، بر بالای "مروه" نیز انجام داد.^۱

و: ایستادن دوام دار در مشعر الحرام: به تأسی از این فرمان پروردگار بزرگ:

﴿فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ^ط وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَيْتُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ﴾ (البقرة: ۱۹۸).

«پس چون از عرفات (به سوی مزدلفه) روان شدید، خدا را نزد مشعر الحرام (مزدلفه) یاد کنید و خدا را به شکر آنکه راه نموده است شما را یاد کنید و اگر چه پیش ازین از گمراهان بودید».

در این حال پیامبر ﷺ ذکر خدا را بجای می آورد و تضرع و زاری می نمود. جابر رضی الله عنه می فرماید: آنگاه که نماز فجر را خواند، "قصوا"^۲ را سوار شد تا که به مشعر الحرام (مزدلفه) رسید، روی به قبله نموده از خدا دعا

۱ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸. جامع الترمذی، حدیث شماره: ۸۵۶.

۲ - قصوا، اسم ناقه آن حضرت صلی الله علیه وسلم بوده است.

کرد و پروردگار را به بزرگی و یگانگی یاد نمود... و همانطور ایستاده بود تا که هوا روشن شد، و قبل از طلوع خورشید آنجا را ترک کرد.^۱

ح: بزرگداشتن زمان و مکان نسک: چنانکه در روز عید قربان فرمود: خونها و مالهای تان بر شما حرام است مثل حرمت این روز، در این ماه و در این شهر شما.^۲

و فرمود: بزرگترین روزها در نزد خداوند، روز عید قربان و روز بعد از آن می باشد.^۳

۳- اظهار براءت از مشرکین و مخالفت با آنها

اسلام و شرک هرگز با هم جمع شده نمیتوانند، این دو مثل شب و روز اند که یکی از این دو بوجود آمده نمی تواند مگر به از بین رفتن دیگری. و از این لحاظ اولین کاری را که مسلمانان بعد از بدست گرفتن قدرت در مکه انجام دادند از بین بردن مظاهر شرک و تخریب نشانه های بت پرستی بود، که شخص پیامبر خدا در این کار عجله نیز به خرج داده است. آن حضرت بعد از فتح مکه وقتی که به مسجد الحرام داخل شد، بت ها را با چوبدستی که داشت بر زمین انداخته و این آیه ها را تلاوت می فرمود:

۱- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۲- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۳- سنن ابوداود، حدیث شماره: ۱۷۶۵.

﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾ (الأسراء: ۸۱).

«و بگو دین حق آمد و دین باطل نابود شد هر آئینه باطل نابود شونده است».

﴿قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبَدِيهِ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُهُ﴾ (سبا: ۴۹)

«بگو حق آمد و باطل نه کار تازه ای را میتواند انجام دهد، و نه کار گذشته ای را میتواند از سر بگیرد».

ابن عباس رضی الله عنهما می فرماید: پیامبر خدا وقتی که به مکه آمد به خانه کعبه تا وقتی که بت ها در آن بود داخل نشد، امر فرمود بت ها را بیرون آوردند بعدا داخل شد.

و آنگاه که آیه مبارکه:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا﴾ (التوبة: ۲۸).

«ای مسلمانان جز این نیست که مشرکان پلیدند پس باید که بعد از این سال شان به مسجد حرام نزدیک نشوند».

نازل شد، ابوبکر صدیق رضی الله عنه را امر فرمود که برای مردم اعلان کند: بعد از امسال شخص مشرک اجازه شرکت در مراسم حج را ندارد.^۱ و هم چنین در سفر حج پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بسیاری از شعائر و احکام حج سعی بلیغ داشت که با مشرکین مخالفت نموده و بر نهج ابراهیم علیه السلام رفتار نماید.

در خطبه مشهور خویش در روز عرفه فرمود: آگاه باشید که همه قوانین زمانه جاهلیت زیر قدمهای من می باشد، و خون های جاهلیت هدر است و اولین خونی را که از آنها میگذارم (هدر اعلان می کنم) خون "ریعه ابن الحارث" می باشد که در "بنوسعده" شیر میخورد^۲ و فردی از قبیله "هذیل" او را کشت، و سود های زمانه جاهلیت هدر است و اولین سودی را که باطل اعلان می کنم، سود عباس ابن عبد المطلب است؛ همه اش گذاشته شده است.^۳

در مواقع زیادی از موسم حج مخالفت با مشرکین در کارنامه های پیامبر صلی الله علیه و آله به وضوح بنظر می رسد، از آن جمله:

-
- ۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۳۶۹، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۳۴۷.
 - ۲ - عرب را عادت بر این بود که اطفال خود را در هنگام شیر خوارگی به بادیه میفرستادند تا در هوای پاک و جو آزاد صحرا نشأت کرده و بر عادات اصیل عرب خوی بگیرند.
 - ۳ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

الف - تلبیه: که مشرکین کلمات شرکی را در آن داخل نموده بودند و می گفتند: «... لَيْسَ لَكَ شَرِيكَ لَكِنَّ، إِلَّا شَرِيكَ هُوَ لَكِ تَمَلِكُهُ وَمَا لَكَ».

پیامبر خدا این جمله شرکی را دور کرده و از آن بیزاری جست^۱.

ب - ایستادن آن حضرت با عامه مردم در "عرفه": و مخالفت با کفار قریش که در "مزدلفه" ایستاد شده و می گفتند از زمین حرم خارج نمیشویم^۲.

ج - اجازه عمره برای عائشه رضی الله عنها: در این کار نیز مخالفت با مشرکین صراحتاً بنظر میرسد چرا که مشرکین تا داخل شدن ماه "صفر"، بجا آوردن عمره را جائز نمیدانستند، طوری که از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده که گفت: قسم به خدا پیامبر برای عائشه در ماه "ذوالحجه" اجازه عمره نداد، مگر بخاطر اینکه رواج اهل شرک را از بین برده باشد؛ چرا که "قریش" و کسانی که به اعتقادات آنها پایبند بودند می گفتند: وقتی که موی شتران زیاد شد و زخمهای پشت شان خوب شده و ماه صفر داخل شود، در این وقت عمره، برای کسی که اراده عمره دارد روا می گردد. و آنها بجای آوردن عمره در ماههای ذوالحجه و محرم را ناجائز می دانستند^۱.

۱ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۱۸۵.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۶۵، صحیح مسلم حدیث شماره: ۱۲۱۹.

۵- تذلیل و خوار نمودن مشرکین: به اظهار شعائر اسلام در جاهای که مشرکان در آن جای ها کفر و دشمنی خویش با خدا و رسولش را اظهار نموده بودند؛ چنانچه در "منی" فرمود: ما فردا به "خیف بنو کنانه" پائین می شویم وقتی که بر کفر سوگند یاد کرده بودند. (هدف آن حضرت وادی المحصّب بود).

داستانش از این قرار است که "قریش" و "کنانه" قسم خورده بودند که اگر "بنو هاشم" و "بنو عبدالمطلب" رسول خدا را به آنها تحویل ندهند، با آنها نکاح و داد و ستد نکنند^۱ (یعنی بنو هاشم و بنو عبدالمطلب را تحریم اقتصادی و اجتماعی نمایند).

۶- بیرون شدن آن حضرت از "مزدلفه" بطرف "منی" قبل از طلوع آفتاب: عمرو بن میمون^۲ می فرماید: با عمر بن خطاب رضی الله عنه حج کردیم، و

۱ - سنن ابوداود، حدیث شماره: ۱۹۸۷، البانی این حدیث را در صحیح سنن ابی داود، حدیث شماره: ۱۷۵۰ "حسن" گفته است. و مراد از جمله: وقتیکه موی شتران زیاد شود وزخمهای پشت شان خوب شود، اینست که در نتیجه سفر و حمل و نقل بار در موسم حج موهای پشت شترها از بین میرفت و پشت آنها زخم میشد، و هرگاه که بعد از استراحت بار دیگر شترها به حالت عادی خویش برگردند....

۲ - صحیح البخاری، حدیث شماره: ۵۹۰.

۳ - عمرو ابن میمون الأودی، در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم مسلمان شد اما آن حضرت را ندید. در سال ۴۷ هجری وفات یافت. الکاشف للذّهبی، راوی شماره:

چون می خواستیم از مزدلفه بیرون شویم، فرمود: پیش از اسلام، مشرکین بعد از طلوع آفتاب از مزدلفه بیرون میشدند، رسول خدا با این کار آنها مخالفت کرده و قبل از طلوع آفتاب از مزدلفه خارج شد.^۱ و همچنین بیرون شدن آن حضرت از "عرفه" بسوی "مزدلفه" نیز بر همین اصل مبنی بوده است.^۲

حافظ ابن قیم رحمه الله می فرماید: از عادات شریفه پیامبر ﷺ این بود که شعار توحید را در جای شعار کفر برپا میداشت، چنانکه امر فرمود که مسجد طائف را در جای "لات و عزی" تعمیر نمایند.^۳

آن حضرت ﷺ در مخالفت با مشرکین تنها به افعال خویش بسنده نکرده بلکه صحابه کرام را نیز امر می فرمود تا با مشرکین مخالفت نمایند؛ مثل دستور آن حضرت در مسأله طواف برای آن عده از صحابه که قریشی نبودند، به مخالفت با قریش در بدعتی که بوجود آورده بودند که هر کس قریشی نباشد و خواسته باشد طواف نماید باید با لباس شخص قریشی طواف نماید و الا برهنه طواف نماید؛^۴ چرا که یک سال بعد (در سال نهم هجری)،

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۶۸۴.

۲ - مراجعه شود به صحیح ابن خزیمه، حدیث شماره: ۸۳۸.

۳ - زاد المعاد من هدی خیرالعباد ۱۹۴/۲.

۴ - نگا: فتح الباری: ۵۶۵/۳.

دستور دادند که در بین مردم اعلان شود "هیچ شخصی برهنه در اطراف خانه کعبه طواف نکند".^۱

و همچنین دستور آن حضرت برای آنعده از اصحاب که "هدی" همراه نداشتند اینکه حج "تمتع" بجا آورند تا که نُسکشان مخالف با مشرکین باشد که گمان می کردند عمره در ماههای حج از بزرگترین گناهان است.^۲

و- دستور صریح آن حضرت برای انصار به سعی در بین صفا و مروه، جائیکه برای آنها فرمود: "سعی" کنید چرا که خداوند، سعی را بر شما لازم گردانیده است.^۳

و در این دستور مخالفت قاطعانه با رواج انصار در زمانه جاهلیت بود که می گفتند: سعی در بین صفا و مروه جائز نیست، چنانکه عائشه رضی الله عنها مسأله را برای "عروه بن زبیر"^۴ واضح گردانید؛ آنگاه که ابن زبیر برایش گفت: به نظرم هیچ پروائی (اشکالی) ندارد که اگر بین صفا و مروه سعی نکنم! عائشه گفت: چرا؟ ابن زبیر گفت: چونکه خداوند متعال می فرماید:

۱ - صحیح البخاری، حدیث شماره: ۱۶۲۲.

۲ - صحیح البخاری، حدیث شماره: ۷۲۳۰.

۳ - صحیح ابن خزیمه، حدیث شماره: ۲۷۶۴.

۴ - عروه ابن زبیر، خواهر زاده و شاگرد عائشه رضی الله عنها، در اوائل خلافت عثمان رضی الله عنه تولد شده و در سال ۹۴ هجری وفات یافت. نگا: تقریب التّهذیب: صفحه ۴۲۵، راوی شماره: ۴۵۶۱.

﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ ۗ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا﴾ (البقرة: ۱۵۸).

«هر آئینه صفا و مروه از شعائر (نشانه های) خدا است پس هر کس که حج خانه (خدا) کند یا عمره بجا آرد پس گناهی بر وی نیست در آنکه طواف (سعی) کند بین این هر دو (صفا و مروه)».

عائشه گفت: اگر مسأله طوری که تو می پنداری باشد، آیه این طور می بود: "فلا جناح عليه ألا يطوفَ بهما".

یعنی: پس گناهی بر وی نیست در آنکه طواف (سعی) نکند بین این هر دو.

این آیه در باره مردمی از انصار نازل شد که بر خویش جائر نمیدانستند که بین صفا و مروه سعی نمایند (و سعی بین صفا و مروه را از بقایای جاهلیت میدانستند؛ زیرا که در جاهلیت بالای صفا و مروه دو بت عبادت می شد) و آنگاه که پیامبر ﷺ به حج آمد موضوع را با آن حضرت در میان گذاشتند، پس خداوند متعال این آیه را نازل فرمود، و کسی که بین صفا و مروه سعی نکند حج آن شخص کامل نمیشود.

لذا حافظ ابن قیم می فرماید: شریعت اسلامی - خصوصا در موسم حج - بر پایه مخالفت با مشرکین استوار شده است.^۱

پس خوشبختی و بشارت برای کسی که به رسول خدا اقتدا نموده، و در تمام زندگی خویش مخالفت با مشرکین را نصب العین خویش قرار دهد و هرگز مشابهت با آنها را اختیار نکند؛ "چرا که اگر شخصی خود را همانند قومی ساخت از آنها می باشد"^۲. و پیامبر ﷺ می فرماید: «المرء مع من أحب»^۳.

ترجمه: شخص هر کسی که دوست دارد (در روز قیامت نیز با او) می باشد.

۴- کثرت مناجات و دعاء

دعا در اسلام دارای جایگاه مخصوصی می باشد؛ چرا که انتهای تذلل و نیازمندی به دربار پروردگار بزرگ را نشان میدهد، از این رو پیامبر اسلام ﷺ می فرماید: دعا، خودش عبادت است.^۴

۱ - حاشیه ابن قیم بر سنن ابو داود: ۱۴۶/۵.

۲ - سنن ابی داود، حدیث شماره: ۴۰۳۳.

۳ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۶۱۶۹.

۴ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۲۹۶۹.

یعنی رکن بزرگ عبادت است؛ چرا که روی آوردن به خداوند متعال و بیزاری از غیر الله را بوضوح نشان میدهد.^۱

و پیامبر ﷺ در مراسم حج بیش از معمول بقیه اوقات دعا کرده اند. آن حضرت ﷺ در وقت طواف دعا نموده^۲، در حین وقوف بر صفا و مروه نیز دعا کرده است. و در روز عرفه در حالیکه بر ناقه (شتر) خویش سوار بودند، دستها را تا سینه بالا برده و تا غروب آفتاب دعا کردند. و بالاخره اینکه در مشعرالحرام "مزدلفه" بعد از اینکه نماز را در اول وقت خواندند، شروع به دعا کرده و تا قبل از طلوع آفتاب به حضور پروردگار خویش نیایش نمودند.^۳

و در روزهای تشریق پس از زدن دو جمره اول، رو به قبله می ایستاد، دستهای خویش را بالا برده و دعا می کرد.^۴

حافظ ابن قیم می گوید: به اندازه قرائت سوره "بقره" می ایستاد.^۵ مثالهایی که گذشت در دعای مسأله از آن حضرت ﷺ روایت شده، اما ثنا و ذکر خداوند را از زمان بیرون شدن از مدینه منوره تا بازگشت به آنجا

۱ - مراجعه شود به: تحفة الأحوذی از مبارکپوری: ۲۲۰/۹.

۲ - سنن ابوداود، حدیث شماره: ۱۸۹۲.

۳ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۴ - صحیح البخاری، حدیث شماره: ۱۷۵۱.

۵ - زاد المعاد ۲/۲۸۵، مراجعه شود به سنن بیهقی ۱۴۹/۵.

ترک نکرده است، همیشه زبانش به ذکر خداوند مشغول بوده و خداوند را طوری که مناسب شأن او تعالی است، در همه حال ثنا می گفته است.^۱

لازم به یاد آوریم آنچه که از دعا و نیایش آن حضرت در موسم حج برای ما رسیده، نسبت به آن چه که نرسیده خیلی کم است؛ چرا که اصل در دعا اینست که به طور خفا و سرّی در بین پروردگار و بنده اش می باشد، و هر انسان از خدای خویش آن چیزی را می خواهد، که به آن احتیاج دارد. اما در بعضی جاها که آن حضرت با صدای بلند دعا کرده، خواسته تا امت را تعلیم بدهد و مسلمانها از ایشان پیروی نمایند، چنان که حدیث جابر انصاری رضی الله عنه شاهد خوبی برای مدعای ماست که می فرماید: ...بعدا این آیه را تلاوت نمود:

﴿وَأَخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّئًا﴾ (البقرة: ۱۲۵). و صدای خود را

بلند

نمود تا مردم بشنوند.^۲

و بر هیچ عاقلی مخفی نیست که ذکر و دعا از اهداف و مقاصد بزرگ حج می باشد که در این قول خداوند به آن تلمیح شده:

۱- برای تحقیق بیشتر ودانستن صفت مناجات و اذکار رسول خدا صلی الله علیه وسلم در موسم حج به صحیح بخاری احادیث شماره: ۱۵۴۴، ۱۵۵۰، ۱۷۵۰، ۱۷۵۱، ۱۷۹۷- و صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸ مراجعه شود.

۲- سنن نسائی، حدیث شماره: ۲۹۶۱.

﴿فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَسِكَكُمْ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ ءَابَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا﴾ (البقرة: ۲۰۰).

«پس هنگامی که مناسک حج خویش را انجام دادید همانگونه که پدران خویش را یاد میکنید خدا را یاد کنید و بلکه بیشتر از آن». بلکه اعمال و شعائر حج بخاطر ذکر خداوند متعال مشروع شده، به طوری که در حدیث عائشه رضی الله عنها از پیامبر ﷺ آمده: طواف بیت الله، سعی بین صفا و مروه و زدن جمره بخاطر اقامه یاد خدای بزرگ مشروع شده است^۱.

و باید گفت دعاهایی که از آن حضرت در موسم حج نقل شده است از دعاهای جامع می باشند، مثل دعای آن حضرت در بین دو رکن یمانی^۲:

﴿رَبَّنَا ءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ (البقرة: ۲۰۱).

پس انسان موفق کسی است که به پیامبر خدا تأسی و اقتدا نموده، حمد و ثنا بر پروردگار متعال و مناجات و تضرع به درگاه الهی را فراموش نکند. و لازم است که ذکر با حضور قلب بوده و دعا با اخلاص کامل و از عمق دل باشد، و هرگز شخص مسلمان در موسم حج وقتش را در کارهای بی

۱ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۹۰۲، سنن أبی داود، حدیث شماره: ۱۸۸۸.

۲ - سنن ابو داود، حدیث شماره: ۱۸۹۲.

فایده ضایع نکند؛ چرا که شاید این فرصت طلائی دیگر هرگز برایش میسر نشود.

۵- رعایت حدود الله

قهر و غضب بنده بخاطر خدا و رعایت حدود او نشانه تقوی، علامت کمال بندگی و دلیل بر صدق ایمان می باشد.

از خلال مثال زیر دانسته می شود که رسول خدا ﷺ - خصوصاً - در موسم حج در مراعات نمودن حدود الله خیلی محتاط بوده و بخاطر هتک حرمت آن خشمگین و غضبناک می شده است.

پیامبر خدا وقتی که از مدینه منوره حرکت نمود، همراه خود "هدی" برده بود ... بعدا بخاطر سهولت و آسانی برای اصحاب، دستور داد هر که با خود هدی نیاورده است احرام خویش را شکسته و حج خود را عمره بگرداند. و شخص پیامبر ﷺ چون هدی داشت، نخواست که احرام خود را بشکند و خویش را حلال نماید.

صحابه کرام رضی الله عنهم به گمان اینکه رسول خدا ﷺ جدی نیست و فقط رخصت شرعی را برای آنها بیان می کند در اطاعت امر تأخیر نمودند.

پیامبر خدا ﷺ وقتی که دید اصحاب از دستور آن حضرت به سرعت اطاعت نکرده اند، بخاطر خدا غضبناک شده، از میانشان برخواست و به نزد عائشه رضی الله عنها رفت.

عائشه چون پیامبر خدا را خشمگین دید گفت: ای رسول خدا! چه کسی شما را خشمگین کرده است؟!

پیامبر فرمود: آیا نمیدانی که من مردم را به کاری دستور دادم و با وجود این هم آنها متردد هستند! و اگر من چیزی را که حالا می دانم قبلا می دانستم هدی را با خود نمی آوردم و فعلا خود را مثل آنها حلال می کردم^۱، بعدا از نزد عائشه بیرون شد، در بین صحابه ایستاده و فرمود: شما خوب می دانید که من متقی ترین، راستکار ترین و نیکوکار ترین شما هستم، و اگر من همراه خویش هدی نمی آوردم، مثل شما خود را حلال می کردم. پس خود را حلال کنید^۲.

صحابه کرام دستور آن حضرت را با جان و دل پذیرفته و سمع و اطاعت نمودند.

همین طور برای هر مسلمان سزاوار است تا در وقت انتهاک محارم، ناراحت و خشمگین شود. حدود الله را پایمال نکند و به اوامر و نواهی پایبند

۱ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۱.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۷۳۶۷. صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۶.

باشد. از سرپیچی دستورات خداوندی حذر نماید؛ چرا که سبب هلاکت و مبتلا شدن به فتنه می شود.

خداوند متعال می فرماید:

﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (النور: ۶۳).

«پس باید بترسند کسانی که خلاف حکم پیامبر می کنند از آنکه بلا و یا عذاب دردناک به ایشان برسد».

و تو ای برادر مسلمان و متعهد! اگر می خواهی از عذاب الهی نجات پیدا کنی حدیث پیامبر خدا را به یاد داشته باش جاییکه می فرمایند: از آن چیزی که شما را نهی می کنم اجتناب کنید، و به چیزی که شما را امر می کنم در حد استطاعت، آن را انجام دهید، زیاد کردن سوال و اختلاف با پیامبران، آنهایی را که قبل از شما بوده اند هلاک گردانیده است.^۱

عبدالله ابن مسعود رضی الله عنه می فرماید: (ای مسلمان!) وقتی که شنیدی خداوند می فرماید ای کسانی که ایمان آورده اید! خوب گوش بده؛ چرا که یا به بهترین چیز تو را امر می کند و یا از بدترین کار تو را نهی می نماید.^۲

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۷۲۸۸، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۳۳۷ (لفظ حدیث از صحیح مسلم است).

۲ - سنن سعید ابن منصور، حدیث شماره: ۸۴۸.

۶- خشوع و آرامش

حضور دل و خشوع آن، به آرامش اعضا و وقار آنها دانسته می شود؛ چرا که ظاهر، نشانه باطن است.

و در مراسم حج شخص پیامبر خدا ﷺ با قلب آماده به انجام نسک، فروتن در مقابل پروردگار، شکسته و متواضع در جلوربّ خویش، گریه کنان و اشک ریزان با بلند نمودن دستها در هنگام مناجات و زاری به حضور ربّ الارباب^۱، مثال غیر قابل تصویری را از این نوع ارائه کردند.

صحابه کرام بعضی از احوال پیامبر در موسم حج را برای ما بیان می کنند که از آن جمله :

الف: جابر انصاری رضی الله عنه حالات پیامبر ﷺ در اثنای طواف را این طور وصف می کند: ... از سنگ حجرالاسود شروع کرده و آن را در بغل گرفت، از چشمهای مبارک آن حضرت اشک جاری شد، بعدا سه طواف اول را در حال رمل (پهلوانی)^۲ و چهار طواف دیگر را به حالت عادی انجام داد، و

۱- درین مورد مثال های زیادی در کتب حدیث ذکر شده است؛ بطور مثال: صحیح

بخاری، حدیث شماره: ۱۷۵۱. صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۲- رَمَلٌ و یا پهلوانی عبارت از این است که شخص حاجی و یا معتمر هنگام طواف قدمهایش را نزدیک هم گذاشته و با حرکت دادن شانه ها با سرعتی که از حالت عادی بیشتر باشد طواف نماید. رمل فقط در سه شوط اول طواف قدوم سنت می باشد.

چون از طواف فارغ شد حجر الاسود را بوسید، دستهای خود را بر بالای آن گذاشت و بعدا به روی مبارک خویش کشید.^۱

ب: "سالم"^۲ از ابن عمر رضی الله عنهما روایت کرده: آن حضرت "جمرة عقبه" اولی را زد و بعدا کمی جلوتر رفت و مکث نمود، و در آن جا مدت زمان زیادی رو به قبله ایستاد - و در حالیکه دستهای خود را بالا گرفته بود- دعا کرد. و بعد از آن "جمرة وسطی" را زد، و به طرف چپ وادی، مدت زیادی رو به قبله ایستاد و در حالیکه دستهای مبارکش به طرف آسمان بود دعا کرد، و پس از آن جمرة کبری را زده و نزدیک آن نایستاد.

و ابن عمر نیز این افعال را انجام می داد و می فرمود: همینطور دیدم که رسول خدا صلی الله علیه وسلم این امور را انجام داده است.^۳

۱ - السنن الکبری ۷۴/۵، ابن کثیر در السیره النبویه ۳۱۷/۴ می گوید: اسناد این حدیث "جید" است.

۲ - سالم ابن عبدالله بن عمر، یکی از فقهای سبعه، در سیرت و فقه به پدرش عبد الله ابن عمر شباهت زیاد داشت، در آخر سال ۱۰۶ هجری وفات یافت. تقریب التهذیب، راوی شماره: ۲۱۷۶.

۳ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۵۱، ۱۷۵۳. و حافظ ابن قیّم علت دعا نکردن آن حضرت بعد از جمرة عقبه کبری را این طور بیان می کند: عادت شریفه آن حضرت این بود که در اثنای عبادت و قبل از اینکه از آن فارغ شود، دعا می فرمود. و وقتی که جمرة عقبه کبری را زد، از عبادت (رمی) فارغ شد؛ لهذا دعا نکرد. و دعا در اثنای عبادت (قبل از فارغ شدن از آن) بهتر است از دعا کردن پس از آن.

آن حضرت ﷺ همچنان آرام و با وقار راه می رفت و مناسک حج را با اطمینان و آرامش تمام ادا می نمود، ابن عباس رضی الله عنهما می گوید:

در روز عرفه با رسول خدا ﷺ همراه بودم ... ناگهان از پشت سر، صدای بعضی مردم را شنید که شترها را می زدند و فریاد می کشیدند، پیامبر ﷺ با تازیانه ای که در دست داشت به آنها اشاره کرد و فرمود: ای مردم! آرامش را بر خود لازم بگیرید نیکویی در تیز و تند رفتن نیست^۱.

سالها بعد وقتی که عمر ابن عبد العزیز^۲ رحمه الله برای مردم در عرفه سخنرانی کرد، مفهوم حدیث فوق را برای حجاج بیت الله الحرام این طور

و سنت آن حضرت در دعای نماز نیز همین بوده است که در صلب نماز و اثنای آن دعا می کرده، و اما بعد از انتهای نماز عادت آن حضرت بر دعا کردن نبوده است و کسی که از آن حضرت نقل کرده در اشتباه افتاده است. نگا: زاد المعاد من هدی خیر العباد ۲/۲۸۶.

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۷۱.

۲ - امیر المؤمنین عمر ابن عبدالعزیز، مادرش دختر عاصم ابن عمر فاروق رضی الله عنه بوده است. در زمان خلافت ولید بن عبد الملک (خلیفه اموی) والی مدینه منوره بود، و بعد از سلیمان بن عبد الملک منصب خلافت به او سپرده شد، او را در زمرة خلفای راشدین دانسته اند. در ماه "رجب" سال ۱۰۱ هجری، بعمر چهل سالگی در گذشت، مدت خلافت: دو سال و شش ماه. ر.ک. تقریب التّهذیب ص: ۴۵۷، راوی شماره:

تشریح نمود و گفت: برنده کسی نیست که اسب و شتر او جلو باشد، بلکه برنده کسی است که گناهان او بخشیده شده باشد.^۱

متأسفانه این زمان نیز مشاهده می شود که در وقت طواف و سعی و یا زدن جمره، بعضی از حجاج بیر و بار (شلوغ) نموده و سبب آزار و اذیت دیگران می شوند. شاید مثالهایی که از مرگ و میر حجاج می شنویم در نتیجه همین کارها باشد.

۲- انجام کارهای خیر

خداوند بزرگ در کتاب مجید خود بندگان را تشویق به مسابقه در کارهای نیک می نماید و می فرماید:

﴿وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (آل عمران: ۱۳۳).

«و شتاب کنید بسوی آمرزشی از پروردگار خویش، و بسوی بهشتی که پهنایی آن مانند آسمان ها و زمین است که برای پرهیزگاران آماده شده است.»

عادت پیامبر ﷺ در حج نیز بر همین منوال بوده که با چند مثال زیر دانسته می شود:

الف- التزام به امور مستحب: مثل غسل نمودن برای احرام^۱، استعمال خوشبوئی قبل از احرام و بعد از انجام امور حج^۲، تلبیۀ مداوم و بلند گفتن آن تا زدن جمرة العقبة^۳ (آخرین جمرة)، ابتدا نمودن به طواف بیت الله و رمل (پهلوانی) در سه شوط اول^۴، دو رکعت نماز بعد از طواف پشت مقام ابراهیم^۵، دعا بر بالای صفا و مروه^۶، ذکر در وقت استلام هر دو رکن و در وقت زدن جمرة^۷ و امور دیگر.

ب- تأخیر در بیرون شدن از "مزدلفه" تا روشن شدن هوا کمی قبل از طلوع خورشید؛ با وجود اینکه میتواندست زودتر از آنجا حرکت کند، و این کار را به خاطر ضعیفانی که با آن حضرت بودند انجام نداد^۸.

۱- جامع الترمذی، حدیث شماره: ۸۳۰

۲- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۵۳۹.

۳- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۵۴۴، ۱۵۷۳. صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۱۸۴.

۴- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۱۵، ۱۶۱۶.

۵- جامع الترمذی، حدیث شماره: ۸۵۶.

۶- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸، ۱۲۶۱.

۷- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۵۱، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۸- نگا: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۸۰، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۹۳.

ج- ذبح نمودن صد شتر^۱: در حالیکه یک هفتم یک شتر و یا یک گاو، و یا یک

رأس گوسفند می توانست کافی باشد^۲.

و نکته مهم اینکه متوجه می شویم که پیامبر ﷺ تمام مناسک حج را شخصا ادا نموده و احدی را به نیابت نگرفته مگر در وقت ضرورت.

به طور مثال:

بعد از اینکه شصت و سه شتر را خود آن حضرت به دست مبارک خویش قربانی نمودند، علی ﷺ را به حیث نائب و وکیل دستور دادند تا بقیه شترها را قربانی نماید^۳... و در بعضی روایات آمده که پیامبر ﷺ نیز با علی رضی الله عنه مساعدت میکردند^۴ که در این صورت نائب نیز نگرفته اند.

اعتراض نشود که پیامبر ﷺ در بعضی از امور حج از اصحاب خویش استعانت و کمک می گرفته، مثل اشعار (علامت گذاری) بعضی از هدی^۵، بر پا نمون قبه برای آن حضرت در نمره^۶، جمع کردن سنگریزه برای ایشان

۱ - نگا: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۱۸.

۲ - نگا: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۸۸، زاد المعاد ۲/۲۲۱.

۳ - نگا: سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۳۰۷۴.

۴ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۲۵۰۶، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۵ - صحیح ابن خزیمه، حدیث شماره: ۲۶۰۹.

۶ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

از مزدلفه به خاطر رمی جمرات^۱ و رسیدگی به مرکب (سواری) آن حضرت^۲ و از این قبیل؛ چرا که یا امور ذکر شده اصالتاً از کارهای "نسک" نیست و یا اینکه نبی مهربان ﷺ با این کار قصد تشویق و دادن شرف برای برخی از افراد را داشته اند.

خلاصه کلام اینکه متأمل در نگاه اول درک می کند که پیامبر ﷺ کوشش زیاد و رغبت تام داشته که مناسک را به وجه اکمل و برتر ادا نماید، مگر اینکه مصلحتی در کار بوده باشد، به طور مثال سعی بین "صفا" و "مروه" را سواره انجام داد^۳، و حجر الاسود را با عصا استلام کرد^۴؛ بخاطر اینکه مردم در اطرافش زیاد بوده اند و پیامبر خدا میخواست که همه صحابه کرام ایشان را ببینند و اگر مسائل و مشکلات داشته باشند به آسانی سوال نمایند.

برادر عزیز، حاجی محترم! شما در بهترین سرزمین و بهترین ایام عمرتان قرار دارید، فرصت را غنیمت شمرده و کوشش کنید که در امور خیر از بقیه دوستان و همسفرهای خود پیشقدم باشید، و بدانیم که خداوند متعال به عبادات و اعمال ما ضرورت ندارد و اگر تقوی و خدا ترسی اختیار نمائیم

۱ - سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۳۰۲۹.

۲ - مسند امام احمد، حدیث شماره: ۲۷۲۹۰.

۳ - نگا: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۰۸.

۴ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۱۵، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

فایده اش به خود ما میرسد، و خداوند متعال به صورت و دارائی کسی نگاه نمی کند بلکه دل پاک و عمل بی شائبه و بی ریا را می بیند.

و به یاد داشته باشیم که امروز عمل است و حساب نیست و فردا حساب است و عمل نخواهد بود. پس کسی که در این دنیا عمل نیک داشته باشد کامیاب و سرفراز است و کسی که وقت خود را ضایع کرده باشد، هلاک گردیده است.^۱

۸- توازن و اعتدال

در دین مقدس اسلام افراط و تفریط مذموم قرار داده شده است و اسلام توازن و میانه روی را می پسندد.

از خلال کتب حدیث مثال های زیادی به چشم می خورد که برای ما واضح می سازد که رسول خدا صلی الله علیه وسلم در امور مختلف از قبیل: عبادت پروردگار^۲، تعلیم و تربیت امت، سرپرستی همسران و رفتار با اهل بیت خویش^۳ و... از میانه روی تمام کار گرفته اند.

۱ - مراجعه شود به: صحیح مسلم، حدیث شماره: ۲۵۶۴، ۲۶۹۹.

۲ - بطور مثال مراجعه شود به: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۵۱، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۳ - بطور مثال: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۳۰۵، ۱۵۵۶. صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

و هم چنین در فضای روحانی مثل حج که بیشتر مردم در حق جسد خود کوتاهی می نمایند، آن حضرت توازن کامل بین حقوق روح و جسد را برقرار نمود.

در روایات آمده که پیامبر ﷺ شب "عرفه" و "مزدلفه" را خواب شد و استراحت نمود^۱، و در روز عرفه روزه نگرفت^۲. و در روز عرفه در زیر سایه بانی از موی که از قبل برایشان تهیه شده بود، قرار گرفت^۳.

در رفت و آمد شان بین مشاعر^۴ و اثنای بعضی اعمال حج مثل طواف، سعی و رمی جمره عقبه سوار میشد^۵. و کسانی را گماشت که در اثنای مراسم خدمت آن حضرت را انجام می دادند^۶، و ازین قبیل کارهایی که ادای مناسک را برای آن حضرت آسان نماید و به سادگی و فراغت تمام به راز و نیاز و نیایش با پروردگار ادامه دهد.

در صحیح مسلم حدیثی آمده که توازن و اعتدال رسول خدا ﷺ در موسم حج را خیلی به خوبی واضح میسازد؛ امّ الحسین رضی الله عنها می فرماید:

۱ - صحیح مسلم، حدیث شماره ۱۲۱۸.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۵۸.

۳ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۴ - نگاه: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۶۶. صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۵ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۰۷، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۹۷، ۱۲۷۳.

۶ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۳۱۳.

در حجّة الوداع با پیامبر خدا همسفر بودم، سواره از (زدن) جمره عقبه برگشت، "بلال" و "اسامه" همراهش بودند، یکی از آن دو جلو سواری (مرکب) را به دست داشت و دیگری پارچه ای را بالای سر آن حضرت گرفته بود تا آفتاب ایشان را اذیت نکند، پیامبر ﷺ در این وقت برای مردم صحبت نمود و فرمود: اگر غلامی سیاه پوست با موهای مجعد (آشفته و پریشان) بر شما امیر شد تا وقتی که از کتاب الله پیروی می کرد، سخنش را بشنوید و از او اطاعت نمائید!

از این حدیث اموری مثل سوار شدن، استفاده از سایه، وقار و آرامش آن جناب و خدمت نمودن اصحاب برای آن حضرت، و... بوضوح به نظر میرسد.

۹- زهد و بی رغبتی در دنیا

شکی نیست که قلب رسول خدا ﷺ به پروردگارش بسته بوده و به مظاهر دنیا تعلق نداشت؛ و اگر مالی در دسترس آن حضرت قرار می گرفت با وسعت قلب و بدون اینکه به فکر ذخیره اندوزی برای خود و اهلس باشد، آن را در راه خدا انفاق می کرد.

در حدیث آمده است که پیامبر ﷺ دعا می فرمود: خدایا! آل محمد را به قدر کفایت رزق و روزی بده.^۱

گاهی تمام روز را از گرسنگی رنج می برد و چیزی برای خوردن نداشت؛ چنانکه عمر فاروق رضی الله عنه روایت می کند: رسول الله ﷺ را دیدم که تمام روز گرسنه بود و حتی خرماي خشک نیز نداشت که شکم خود را سیر نماید.^۲ و از مظاهر زهد آن حضرت که در موسم حج به مشاهده رسیده این است که:

الف - با وسائل و سامان کهنه ای سفر کردند که چهار درهم و یا کمتر از آن ارزش داشته است.^۳

حافظ ابن قیم می فرماید: پیامبر ﷺ در رحل (وسائل و سامانی) سفر نمودند که کجاوه، هودج و عماریه نداشت.^۴

سالها بعد وقتی که عبد الله ابن عمر رضی الله عنهما گروهی از حجاج "یمن" را می بیند که زین های شترهای آن ها از پوست دباغی شده و پوزبند شترهای شان از موی می باشد، حج پیامبر گرامی اسلام را در ذهن خویش خاطر نشان ساخته

۱ - نگا: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۶۴۶۰، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۰۵۵.

۲ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۲۹۷۸.

۳ - سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۲۸۹۰.

۴ - زاد المعاد ۱۶۰/۲. و این ها انواع پالان ها و زین های قیمتی و گران بها بوده که بر پشت شترها گذاشته می شده است.

و می فرماید: کسی که دوست دارد مشابه ترین گروه را که به پیامبر و اصحابش - وقتی که به حجة الوداع آمده بودند- ببیند، بسوی اینها نگاه کند.^۱

ب- و از صورتهای زهد آن حضرت ﷺ در موسم حج اینست که با کمال تواضع و محبت "اسامه ابن زید" را از عرفات تا مزدلفه و "فضل ابن عباس" را از مزدلفه تا منی به پشت سر خویش سوار نمودند.^۲

ج- و آنگاه که به عرفه ایستاد، فرمود: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْخَيْرَ خَيْرُ الْآخِرَةِ»^۳. که تعلق قلب پیامبر را به آخرت نشان می دهد.

د- آن حضرت ﷺ در موسم حج از سائر مسلمانها تمایز نداشت و حتی وقتی که به "سقایه" آمد و می خواست آب بنوشد، عباس ﷺ برای فرزند خود گفت: ای فضل! نزد مادرت برو، و از آن جا برای پیامبر ﷺ نوشیدنی بیاور.

رسول خدا فرمود: ای عباس! برایم آب بده.

عباس گفت: یا رسول الله! مردم دستهای خود را در سقایه می زنند.

پیامبر ﷺ فرمود: من از همان آبی می نوشم که عامه مردم از آن می نوشند!

۱- سنن ابو داود، حدیث شماره: ۴۱۴۴، مسند احمد، حدیث شماره: ۶۰۱۶.

۲- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۵۴۴.

۳- صحیح ابن خزیمه، حدیث شماره: ۲۸۳۱.

هـ- آن حضرت در حج خویش یکصد شتر قربانی نمود^۲ و اگر کسی قلبش به دنیا وابسته باشد از مقدار واجب بیشتر قربانی نمی کند^۳.

و- کثرت صدقه و طعام دادن مردم: در روز ترویبه (روز هشتم ذوالحجه) به دست مبارک خویش هفت شتر ذبح نمود^۴، و در روز قربانی، علی رضی الله عنه را دستور داد که گوشت، پوست و همه وسائل متعلق به اشتران ذبح شده را در بین فقرا و مساکین تقسیم نماید^۵.

ز- تقسیم صدقه در بین مردم: در روز نحر (دهم ذوالحجه) تعدادی گوسفند را در بین مردم تقسیم نمود^۶ و در حالیکه مشغول تقسیم صدقه بود، دو نفر آمدند و صدقه طلب نمودند.

پیامبر صلی الله علیه و آله به آنها نگاه کرد و بعد به زمین نظر انداخت. دید که هر دو جوان هستند و می توانند کار کنند، فرمود: اگر خواسته باشید از این مال

۱- مسند احمد، حدیث شماره: ۱۸۱۴، و هم چنین این حدیث بیانگر کمال تواضع رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می باشد.

۲- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۱۸.

۳- که یک رأس گوسفند و یا بز از طرف یک شخص می تواند کافی باشد. نگاه: الهدایه از علامه مرغینانی حنفی ۲۰۱/۱.

۴- نگاه: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۵۵۱. سنن ابوداود، حدیث شماره: ۱۷۹۶.

۵- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۰۲، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۳۱۷.

۶- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۳۱۸۰.

برای شما میدهم، اما این مال صدقه است برای انسان های ثروتمند و برای اشخاص قوی و اهل کسب و کار نمی باشد^۱.

ح - غذای ساده: وقتی که قربانی ها را در حجه الوداع ذبح نمود، مقداری گوشت برای خادمش (ثوبان رضی الله عنه) داد و فرمود: این گوشت را پخته کن.

ثوبان می فرماید: گوشت را پخته و آماده نمودم، پیامبر ﷺ تا زمانیکه به مدینه رسید از آن گوشت تناول می فرمود^۲.

برادر عزیز و خواهر گرامی! قلب حقیقت بین، از دنیا و زینت های آن خویشتن را دور نگه داشته و هرگز بنده آن نخواهد شد؛ زیرا که دنیا فنا شدنی است و برای دنیا پرستان خواری و ذلت باقی خواهد ماند.

مظاهر تابان از جوانب ارتباط پیامبر ﷺ در حج با پروردگارش را مطالعه نمودیم که با وجود مشغولیتها و مسئولیت های زیاد، در مقابل پروردگار خویش منقاد و مطیع در حال عبادت است.

و همچنین حج برای ما نیز یک فرصت طلائی می باشد؛ وقت آن است که از خطاها و لغزش های گذشته پوزش خواسته و برای آینده بهتر زحمت بکشیم.

۱ - سنن ابو داود، حدیث شماره: ۱۶۳۳.

۲ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۹۷۵.

پیامبر ﷺ می فرماید: همه انسان ها خطا کارند، و بهترین خطا کارها توبه کنندگان می باشند^۱.

پس به رسول خدا ﷺ اقتدا کرده، کمال عبودیت و انقیاد خویش در مقابل پروردگار را در موسم حج و بعد از آن به نمایش بگذاریم و در کارهای خیر از دیگران سبقت داشته و از کارهای بد گریزان باشیم.

۱ - سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۴۲۵۱.

فصل دوم

احوال پیامبر ﷺ در حج با اهل بیت و اقارب

تشویق اهل بیت به کارهای خیر و عام المنفعه
پیش گیری اهل از وقوع در فتنه
آسانی و سهولت
همدردی با اهل و اقارب
احسان و نیکی به ایشان

فصل دوّم

احوال پیامبر ﷺ در حج با اهل بیت و اقارب

به شهادت صحابه کرام و همه کسانی که با پیامبر ﷺ نشست و برخاست داشته اند، آن حضرت با نزدیکان خویش بهترین رفتار و اخلاق را داشته و به اقارب خویش همیشه احسان می نموده است .

بزرگترین نیکی و صلّه رحم که در حق ایشان روا داشته همانا دعوتشان بسوی دین و کوشش زیاد آن جناب بر هدایت قوم و نجات آنها از عذاب الهی بوده است.

آن حضرت در اوّلین روز های بعثت بر تپه "صفا" بالا رفت و با صدای بلند فرمود: ای فاطمه دختر محمد، ای صفیه بنت عبدالمطلب، ای فرزندان عبدالمطلب! من شما را از عذاب الهی نمی توانم نجات دهم، اما از مال من هر چه می خواهید بطلبید!

و آنگاه که ابوطالب در حال احتضار بود پیامبر خدا با کمال مهربانی و احترام برایش فرمود: کاکا جان! بگو (لا إله إلا الله) کلمه ای که در نزد پروردگار به سبب آن از تو دفاع نمایم.^۱

۱ - صحیح مسلم، حدیث شمار: ۲۰۵.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۳۸۸۴.

و در موسم حج نیکی آن حضرت با اهل بیت و اقارب، کاملاً واضح شده، صلّه رحم و احسانش به طور کامل در مواقع و حالات مختلف نمایان می باشد.

ما در اینجا چند نمونه از احوال پیامبر ﷺ با اهل و اقاربش را در حج ذکر مینماییم:

۱- آموزش مناسک حج برای آنها

پیامبر ﷺ برای تعلیم اهل و عیالش در موسم حج اهتمام خاص نشان داده تا جایی که بیشتر مسائل حج از آنها نقل شده است. به طور مثال امّ سلمه رضی الله عنها روایت می کند از پیامبر ﷺ شنیدم که فرمود: ای آل محمد! به عمره در حج (حج تمتع) نیت نمایید.^۱

و آن گاه که عائشه رضی الله عنها قبل از اینکه به بیت الله طواف نماید، حیض شد برایش فرمود: هر کاری را که یک حاجی باید انجام دهد، انجام بده مگر اینکه به بیت الله طواف نکن.^۲

در شب مزدلفه برای نوجوانان بنوعبدالمطلب فرمود: قبل از طلوع آفتاب جمره نزنید.^۳

۱ - مسند امام احمد، حدیث شماره: ۲۶۵۹۰، صحیح ابن حبان، حدیث شماره: ۳۹۲۲ با اسناد صحیح.

۲ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۱.

۳ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۸۹۳

پیامبر خدا ﷺ برای تعلیم اهل و اقاربش تنها به صحبت و سخنرانی اکتفا نمی کرد بلکه سوال های آن ها را جواب داده و ایشان را همراهی می نمود چنانکه در حدیث حفصه رضی الله عنها آمده است: پیامبر ﷺ در حجة الوداع همسران خویش را امر نمود که از احرام بیرون بیایند، من برایشان گفتم: شما چرا از احرام بیرون نمی آید؟ فرمود: من سر خود را تلید^۱ کردم، و با خود قربانی آوردم و تا وقتی قربانی نکرده باشم، خود را حلال نمی کنم.^۲

و آن گاه که فضل ابن عباس (پسر کاکای پیامبر) بطرف دختر جوانی از قبیله "ختعم" نگاه می کرد، پیامبر خدا ﷺ با دست خویش صورت فضل را بطرف دیگر گرداند تا دختر را نگاه نکند. عباس برایش گفت: ای پیامبر خدا! چرا گردن پسر عمویت را بطرف دیگر دور دادی؟ فرمود: پسر جوان و دختر جوانی را دیدم، ترسیدم که شیطان آنها را به فتنه بیندازد.^۳

اما در این زمان که بی اطلاعی و ندانستن امور حج در بین حجاج زیاد شده بدلیل اینست که تعداد خیلی کمی از مردم قبل از شروع مناسک مبادرت به تعلیم اهل و اقارب و افراد تحت سرپرستی شان می نمایند.

۱ - معنای تلید گذشت.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۴۳۹۸.

۳ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۸۸۵ البانی این حدیث را در صحیح سنن ترمذی، حدیث شماره: ۷۰۲ "حسن" قرار داده است.

پس هر یک از ما کوشش کند اهل و عیالش را تعلیم و تربیت صحیح داده در نزد پروردگار مقام خویش را بالا ببرد و از بهترین مردم باشد، رسول خدا ﷺ می فرماید: بهترین شما کسی است که با اهلش بهترین باشد و من بهترین شما با اهل خویش هستم.^۱

و هم چنین تربیت اهل و اولاد یک مسئولیت بزرگ است. پیامبر ﷺ می فرماید: هر یک از شما مسئول است، و هر یک از شما از زیر دستانش سوال می شوید، مرد سرپرست فامیل خود بوده و مسئول می باشد.^۲

پس پیامبر خدا را اسوه حسنه قرار داده و دعوت و انذار را از اهل و اقارب خویش شروع نمائیم، خداوند متعال می فرماید:

﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ (الشعراء: ۲۱۴).

«و خویشاوندان نزدیک خود را بترسان (هشدار بده)».

۲- مأمور نمودن ایشان به تهیه وسایل سفر قبل از بیرون شدن

رسول خدا ﷺ قبل از اینکه از مدینه منوره به مقصد حج بیت الله بیرون برود، افراد خانواده خود را مأمور تهیه وسایل لازم نمود، عائشه رضی الله عنها می

۱ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۳۸۹۵.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۲۵۵۳.

فرماید: پیش از اینکه رسول خدا احرام ببندد، برای شترهای قربانی آن حضرت گردن بند بافتم^۱.

چقدر زیباست که با اقتدا به پیامبر گرامی اسلام، قبل از سفر به بیت الله الحرام، انسان خود و اهلش را مشغول ترتیب امور حج نموده، مقاصد حج را درک کند و احکام آن را صحیح بداند، به فضائل حج آگاه شده و آداب آنرا فرا گیرد و با قلب مشتاق و خاطر آسوده رهسپار این سفر عبادی و به یاد ماندنی گردد.

۳- تشویق آنها بر شرکت در مراسم حج

خداوند متعال حج را بر بنده توانمند خویش فرض گردانیده است و می فرماید:

﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ (آل عمران: ۹۷).

«و حج خانه کعبه حق خدا است بر مردمان؛ هر که توانائی رفتن بسوی آن را- از جهت اسباب راه- دارد».

و با تأمل به سیرت پیامبر ﷺ در حج در میابیم که آن حضرت سعی کامل داشت که همه اهل بیت و اقارب شان در مراسم بزرگ حج شامل شوند، بطور مثال:

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۰۴.

۱- همه همسران پیامبر (که در آن وقت نه تن بودند) در این سفر حضور داشتند.^۱

۲- آن حضرت افراد ضعیف اهل بیت خویش را نیز با خود گرفته بود.^۲

۳- تشویق خویشاوندان - حتی اگر مریض هم باشد- برای شرکت در مناسک حج: چنانکه پیامبر خدا نزد ضباعه بنت زبیر ابن عبدالمطلب که دختر کاکای / دختر عموی آن حضرت می شود رفت و فرمود: شنیدم که امسال نمیخواهی به حج بروی؟!^۳

ضباعه گفت: من مریض هستم و می ترسم مراسم را نتوانم بجا بیاورم و در نیمه راه باقی بمانم.

پیامبر ﷺ برایش فرمود: احرام ببند و شرط بگذار تا هر جا که توانستی ادامه بدهی.^۳

تنبيه: متأسفانه امروزه تعداد زیادی از مسلمانان-خصوصاً زنان- با وجود استطاعت بدنی و مالی، در ادای فریضه حج اهمال روا می‌دارند؛ حال آنکه

۱ - سنن ابو داود، حدیث شماره: ۱۷۲۲. حافظ ابن قیم در زاد المعاد ۱۰۶/۲ و حافظ ابن کثیر در السیره النبویه ۲۲۲/۴ نیز تصریح نموده اند که همه همسران پیامبر در این سفر با ایشان بوده اند.

۲ - مراجعه شود به: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۷۸؛ ۱۶۸۸. صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۹۳.

۳ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۵۰۸۹. سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۲۹۳۶، ۲۹۳۷.

در حدیث آمده که پیامبر ﷺ می فرماید: در بجا آوردن حج (فرضی) عجله نمائید، هیچ یک از شما نمیداند که چه برایش پیش خواهد آمد!^۱

سرپرست فامیل در این امر مهم نقش ارزنده ای دارد و اگر زیر دستانش فریضه حج را ادا نمایند برای او نیز ثواب و اجر نوشته خواهد شد، چنانچه در حدیث آمده که زنی، طفلی را برای پیامبر ﷺ نشان داد و گفت: یا رسول الله! آیا بر این طفل حج است؟

رسول خدا ﷺ فرمود: بلی و برای تو، ثواب است.^۲

و در این جا برای سرپرست خانواده ثواب خیلی زیادتر خواهد بود؛ چرا که حج بر اهل و عیالش فرض می باشد و حج برای آن طفل فرض نبوده است.

۴- کمک خواستن از آنها در امور حج

پیامبر ﷺ در حجة الوداع از خویشاوندان و اهل بیت خویش استعانت و کمک خواست. و در بعضی کارها ایشان را مأمور ساخته و یا به نیابت گرفته است، که چند مثال از آن را ذکر می نمائیم:

۱ - مسند احمد، حدیث شماره: ۲۸۶۸. این حدیث شواهد دیگری نیز در کتب حدیث دارد.

۲ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۳۳۶.

- ۱- مأمور کردن عائشه صدیقه رضی الله عنها به بافتن کردن بندهای از پشم برای شترهای قربانی، قبل از احرام^۱.
 - ۲- عبد الله ابن عباس رضی الله عنهما روایت می کند که پیامبر ﷺ در روز عقبه- در حالیکه بر ماده شترش سوار بود- فرمود: برایم سنگ ریزه جمع کن. و من برایش هفت سنگ ریزه جمع نمودم^۲.
 - ۳- مأمور نمودن علی رضی الله عنه برای ذبح بقیه شترهای قربانی^۳؛ و این که گوشت و پوست همه شترهای قربانی را در بین مسلمانان تقسیم نماید^۴.
 - ۴- و آن گاه که آن حضرت ﷺ دید پسرموهایش مردم را از "زمزم" آب می نوشانند، از کاکایش (عمویش) عباس رضی الله عنه آب خواست و نوشید^۵.
- ابن عباس رضی الله عنهما می فرماید: برای پیامبر ﷺ آب (زمزم) دادم، و آن حضرت- درحالی که ایستاده بود- آب را نوشید^۶.

۱ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۶۹۶، ۱۷۰۵، ۱۷۰۴.

۲ - سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۳۰۲۹.

۳ - سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۳۰۷۴.

۴ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۱۸، ۲۲۹۹. صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۳۱۷.

۵ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۳۵.

۶ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۶۳۷.

۵- عائشه رضی الله عنها می فرماید: پیامبر ﷺ را قبل از این که احرام ببندد و بعد از احرام هنگامی که میخواست طواف نماید با هر دو دست خویش خوشبو ساختم (و به دستهایش اشاره کرد^۱).

۵ - تشویق اهل بیت بر کارهای خیر و عام المنفعه

طوری که میدانیم حج دروازه نیکی ها و فرصت طلائی برای ازدیاد طاعات و افزایش حسنات می باشد.

و پیامبر ﷺ نیز در موسم حج اهل بیت خویش را به کارهای شایسته و پسندیده بیشتر تشویق می فرمود.

از آن جمله: وقتی که مشاهده نمود پسر کا کا هایش از چاه زمزم آب بالا می کشند و مردم را سیراب می نمایند، برای شان فرمود: ای فرزندان عبدالمطلب! به کارتان ادامه داده و برای مردم آب بدهید، شما بر کار شایسته ای هستید؛ و اگر ترس از ازدحام مردم نمی بود، من نیز شما را یاری می نمودم^۲.

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۵۴. صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۱۸۹.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۳۶. صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸. هدف پیامبر ﷺ این است که اگر من از سواری پائین شوم و با شما آب بالا بکشم، مردم به من اقتدا کرده و این عمل را سنت میدانند و هر کس کوشش می کند که آب بالا بکشد و مردم را آب بدهد.

بلکه آن حضرت ﷺ خدمات رفاهی و همگانی را برای اقارب خویش آسان نمود، چنانکه به عباس بن عبدالمطلب اجازه داد تا شبهای "ایام تشریق" را در مکه باشد تا خدمت آب دادن به حجاج را سرپرستی نماید^۱.

۶- وقایع اهل از وقوع در فتنه

فتنه ها دلها را فاسد نموده و عقل را از بین می برد و آن گاه که جمع زیادی از زنان و مردان یکجا جمع می شوند، امکان این هست که فتنه های زیادی به وقوع به پیوندد.

و سر فهرست همه فتنه ها فتنه زنها است، و خصوصا آنهاست که حجاب شرعی را رعایت نمی نمایند؛ لذا می بینیم که رسول خدا ﷺ بر اهل بیت خویش می ترسد و کوشش می کند که آنها را از این فتنه به دور نگهدارد. بطور مثال: وقتی که دید فضل ابن عباس بطرف دختری از قبیله "ختعم" نگاه می کند، روی فضل را بطرف دیگر گرداند^۲.

و هم چنین آن حضرت برای همسران خود هدایت فرمود که در هنگام طواف با مردها اختلاط نداشته باشند.

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۴۵.

۲ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۸۸۵ مسند امام احمد، حدیث شماره: ۵۶۴.

در صحیح بخاری روایت شده است که امّ سلمه رضی الله عنها وقتی که از مریضی اش به آن حضرت شکایت برد، پیامبر ﷺ برای او فرمود: سواره، از پشت سر مردم طواف کن!^۱

تفصیلات بیشتر را از این روایت در میابیم که ابن جریج^۲ گفت:
وقتی که "ابن هشام"^۳ زنها را از طواف با مردها منع کرد، "عطا"^۴ گفت:
چطور آنها را منع می کند در حالیکه زنان پیامبر با مردها طواف نموده اند.

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۱۹.

۲ - عبدالملک ابن عبدالعزیز بن جریج در سال ۸۰ هجری توکد شد، اولین عالمی است که در مکه به تصنیف پرداخت. از بهترین و بزرگترین شاگردان "عطا" می باشد، "اوزاعی" و "لیث ابن سعد" فقیه اهل مصر از شاگردان او هستند. او در سال ۱۵۰ هجری وفات نمود. نگا: سیر اعلام النبلا ۶/۳۳۲. تقریب التّهذیب صفحه: ۳۹۴، راوی شماره: ۴۱۹۳.

۳ - ابراهیم ابن هشام، امامی (دایی) هشام ابن عبد الملک (خلیفه مشهور اموی)، و از طرف هشام والی مدینه منوره بوده است. و در زمان خلافت هشام، امیرالحج تعیین شد و او اولین کسی است که اختلاط زنان و مردان را در هنگام طواف ممنوع کرد. ابن هشام و برادرش محمد را که والی "مکه" بود، یوسف ابن عمر ثقفی بدستور ولید (خلیفه اموی بعد از هشام) بقتل رسانید. نگا: فتح الباری ۶/۳۰۶.

۴ - عطا ابن ابی رباح از تابعین مشهور و از شاگردان ابن عمر و ابن عباس، در زمان خلافت عثمان رضی الله عنه در "مکه مکرمه" توکد شد... و بعدها به مفتی حرم ملقب گردید. مجاهد ابن جبر و امام ابو حنیفه رحمه الله از شاگردان او هستند، در سال

ابن جریج گفت: آیا بعد از نزول حکم حجاب بوده یا قبل از آن؟ گفت: بعد از نزول حکم حجاب. گفتم چگونه با مردها اختلاط داشته اند؟ عطا گفت: با مردها اختلاط نداشته اند، عائشه رضی الله عنها دور از مردها و در یک گوشه طواف می نمود، زنی آمد و برایش گفت: ای امّ المؤمنین! برویم و "حجرالاسود" را بوسه زنیم. عائشه برایش گفت: از من دور شو، و با آن زن نرفت.

بلی! با حالت ناشناخته، شب هنگام بیرون می شدند و با مردها طواف می نمودند.

و آنگاه که می خواستند داخل خانه شوند انتظار می نمودند تا مردها بیرون بیایند. و من و "عبید ابن عمیر"^۱ خدمت عائشه حاضر می شدیم و او در "جوف ثبیر" ساکن بود.

ابن جریج پرسید: حجابش چی بود؟ عطا گفت: او در قبه ترکی بود و در بین ما و او پرده وجود داشت.^۲

۱۱۴ هجری وفات یافت. نگا: تقریب التّهذیب صفحه: ۴۲۷، راوی شماره: ۴۵۹۱. سیر

اعلام النبلاء ۸۷/۵

۱ - عبید ابن عمیر مولی عبد الله ابن عباس رضی الله عنه. نگا: تقریب التّهذیب راوی شماره: ۴۳۸۶.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۱۸. برای آگاهی بیشتر از معنای حدیث مراجعه شود به: فتح الباری ۳/۶۰۶-۶۰۷.

و هم چنین پیامبر خدا ﷺ برای همسران خویش اجازه رَمَل (پهلوانی) کردن در حین طواف، و سعی شدید بین صفا و مروه را نداد، چنانکه از قول عائشه رضی الله عنها دانسته می شود که عدّه ای از زنها را مورد خطاب قرار داد و فرمود: آیا ما (زنهای پیامبر) برای شما قدوه نیستیم؟ بر شما پهلوانی در وقت طواف و دویدن بین صفا و مروه لازم نیست!

متأسفانه در موسم حج بعضی انسانهای ضعیف النفس از بیر و بار (شلوغی) و ازدحام زیاد، سوء استفاده می نمایند و زنان بی حجاب و ساده لوح را با چشمان گنهکار نگریسته، بزرگی و عظمت این مکان مقدّس را فراموش می کنند و به بزرگی گناه خویش پی نمی برند. پس برای سرپرست و مسئول فامیل لازم است که از پروردگار خوف نماید و مواظب و مراقب افراد تحت مسئولیت خویش باشد.

۷- نهی از منکر

رسول خدا ﷺ کوشش داشت که اهل و اقارب خویش را از گناهها دور داشته و از منکرات باز دارد و اگر می دید یکی از آنها در کار ناشایسته ای واقع شده بلا فاصله او را منع می فرمود. بطور مثال:

وقتی که مشاهده کرد فضل ابن عباس رضی الله عنهما بطرف دختری از قبیله خثعم چشم دوخته است، او را از نگاه کردن دوباره باز داشت و این کار را عملاً با دست خود انجام داد.^۱

آن حضرت وقتی که دید فضل گروهی از زنان را نگاه می کند، او را از این کار نهی کرد.^۲

و آن گاه که خطبه تاریخی و فراموش نشدنی خویش را در "عرفات" القاء کرد، فرمود: هر کاری از امور جاهلیت (قبل از اسلام) زیر پای من گذاشته شده است. سود زمان جاهلیت نیز گذاشته شده (باطل) است. و اولین سودی را که باطل اعلان می کنم، سود عباس ابن عبدالمطلب است که هیچ اعتباری ندارد.^۳

۸- آسانی و سهولت

آن حضرت ﷺ در موسم حج - بطور خاص - با اهل بیت خود شفیق و مهربان بود، بر ضعیف شان دلسوزی می کرد و امر آسان را برای آنها انتخاب می نمود. بطور مثال:

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۵۱۳.

۲ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۳ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

- ۱- آنگاه که دید ضباعه بنت زبیر مریض است، برایش فرمود: از مدینه به نیت حج بیرون شو و شرط بگذار تا هر جا که توانستی ادامه بدهی.^۱
 - ۲- و چون امّ سلمه رضی الله عنها از مریضی خویش به آن حضرت شکایت برد، برای او فرمود: از پشت سر مردم سواره طواف کن.^۲
 - ۳- برای عباس ابن عبدالمطلب اجازه داد که شبهای منی را در مکه باشد، تا امور سقایه را به پیش ببرد.^۳
 - ۴- برای سالخوردگان و ضعیفان اهل بیت اجازه داد شب هنگام از "مزدلفه" بطرف "منی" حرکت کنند، تا از ازدحام در امان باشند.^۴
- قابل یادآوری است که در زمان پیامبر ﷺ که تعداد حجاج نسبت به این زمان بسیار اندک بوده است، باز هم آن حضرت با اهل و فامیلش اینقدر آسان گیری کرده و از نرمی و ملاحظت کار می گرفت. و در این زمان که تعداد حجاج خیلی زیاد است ما به رفق و آسانی بیشتر ضرورت داریم.
- پس در سایه قوانین شریعت اسلامی - خصوصا با سالخوردگان و زنان - از رفق و آسانی بیشتری کار گرفته شود.

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۵۰۸۹.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۴۶۴.

۳ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۳۴.

۴ - سنن نسائی، حدیث شماره: ۳۰۳۴. نگاه: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۷۸.

۹- صبر و برد باری

صبر و تحمل آن حضرت ﷺ در موسم حج امریست که احتیاج به دقت نظر ندارد؛ چرا که پیامبر در یک وقت معلّم همه مسلمانان و سرپرست تمام کارهای اهل و فامیلش بود، با وجودی که در بین اهل آن حضرت اشخاص سالخورده و عمر رسیده مانند: همسرش "سوده بنت زمعه"^۱ و مریض مثل "ضباعه"^۲ و "ام سلمه"^۳ وجود داشتند.

و هم چنین عدّه زیادی از اهل و عیالش و از آن جمله فاطمه رضی الله عنها^۴ (دختر آن حضرت) و همه همسران آن جناب^۵ به علاوه همه نوجوانان بنوهاشم و بنوعبدالطلب^۶ با ایشان همراه بودند.

در برخورد با همه اینها صبر، تحمل، بردباری و از خود گذشتگی از خویش نشان داد که نظیر آن هرگز ارائه نشده است؛ آنها را راهنمایی و ارشاد فرمود^۷، با آنها شفقت و مهربانی کرده^۸ و بر آنها نفقه نمود^۱،

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۸۱.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۵۰۸۹.

۳ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۴۶۴.

۴ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۵ - نگاه: سنن ابوداود، حدیث شماره: ۱۷۲۲. زاد المعاد ۲/۱۰۶.

۶ - مسند امام احمد، حدیث شماره: ۳۵۱۳.

۷ - بطور مثال مراجعه شود به: صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۱.

۸ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۷۸، ۴۳۹۸.

با ایشان همدردی کرد^۲، با ایشان ملاطفت و مزاح نمود^۳، حقوقشان را حفظ کرد^۴ و آن‌ها را بر کارهای خیر تشویق فرمود^۵... و خلاصه اینکه همه این کارها را با پیشانی باز، چهره‌ی خندان و قلب مهربان انجام داد. خداوند متعال جلّ جلاله اخلاق و اوصاف عالی پیامبر خویش را در قرآن کریم یاد آوری می‌نماید و می‌فرماید:

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ (القلم: ۴).

«و هر آینه تو بر خوی و اخلاق بزرگی هستی.»

۱۰- همدردی با اهل و اقارب

رسول خدا ﷺ حال اهل خویش را مراعات می‌فرمود؛ آنچه می‌خواستند- اگر مخالف دستورات الهی نبود- برایشان بر آورده می‌ساخت. و اگر گاهی مخالف میل آنها کاری صورت می‌پذیرفت، آنها را دلداری میداد. مثال بارز همدردی رسول خدا ﷺ در موسم حج با همسرشان عائشه رضی الله عنها به چشم می‌خورد، آن‌گاه که نزد عائشه رضی الله عنها داخل شد،

۱- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۵۴۴، ۵۵۴۸.

۲- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۸۸ و صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۱.

۳- مسند امام احمد، حدیث شماره: ۲۵۰۷.

۴- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۳۶.

۵- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

دید که عائشه گریه میکند (چرا که عائشه بسبب حیض از عمره باز مانده بود)، در این حال پیامبر ﷺ او را تسلی داد و گفت: مشکلی نیست، تو از دختران آدم هستی، خداوند آنچه را بر آنها نوشته بر تو نیز نوشته است (یعنی حیض عام است و همه زنان حیض می بینند)، به حج خود ادامه بده شاید که خداوند عمره نیز نصیب تو کند.

و چون عائشه گفت: یا رسول الله! آیا دوستان من (کنایه از بقیه همسران پیامبر ﷺ) حج و عمره نموده بر می گردند و من تنها با حج بر می گردم؟ رسول خدا ﷺ، عبدالرحمن ابن ابوبکر رضی الله عنهما (برادر عائشه) را دستور داد تا عائشه صدیقه را به "تنعیم" ببرد، و عائشه رضی الله عنها از آن جا برای عمره "لَبِیک" گفت!

۱۱- احسان و نیکی با ایشان

وجوه احسان پیامبر ﷺ در موسم حج با اهل بیت و خویشاوندان آنقدر زیاد است که متأمل را وادار به اعتراف می نماید که تمام احوال آن حضرت احسان، نیکی و خوبی با اهل و عیالش بوده است. بطور مثال چند واقعه را ذکر می نمایم:

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۸۸، ۱۵۶۱. نگاه: صحیح مسلم، حدیث شماره:

آنگاه که رسول خدا ﷺ برای "ضباعه بنت زبیر" فرمود: مگر امسال قصد حج نداری؟ ضباعه گفت: قسم به خدا که خویش را بیمار می بینم. پیامبر ﷺ فرمود: حج کن و شرط بگذار تا هر جا که توانستی ادامه بدهی! از آن جمله: شرکت دادن همه همسرانش (امّهات المؤمنین) در حج^۲، و این کار بالا تر از عدل است؛ چرا که می توانست هیچکدام را همراه خویش نبرد و یا اینکه بین آنها قرعه بیندازد.

و از آن جمله: سوار نمودن فضل ابن عباس به پشت سر خویش از "مزدلفه" تا "منی"^۳.

و هم چنین قربانی نمودن از طرف همه همسران؛ بدون اینکه همسران آن حضرت در خواست نمایند از طرف همه آنها، گاو قربانی نمود^۴. در مثالهای فوق گوشه هایی از جوانب کمال بشری آن حضرت و رفتار و اخلاق عالی با اهل و اقارب به چشم می خورد به طوری که می فرماید: بهترین شما، بهترین شما با اهلش می باشد و من بهترین شما با اهل خود هستم.^۵

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۵۰۸۹، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۰۷.

۲ - نگا: زاد المعاد ۱۰۶/۲، السیرة النبویه ۲۲۲/۴.

۳ - نگا: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۵۴۴

۴ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۷۰۹.

۵ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۳۸۹۵.

احسان آن حضرت با اهل بیت، اقارب و خویشاوندانش نهایت ندارد...
مثال های فوق را بطور نمونه از احوال پیامبر ﷺ در حج با اهل بیت و
نزدیکان آن حضرت ذکر نمودیم... و چون اهل بیت و فامیل شخص، بهترین
سرمایه و معاون برای آن شخص می باشند، لذا لازم است که در راه تعلیم
دین و مسایل اسلامی به آنها از هیچ کوششی دریغ ننماید، و با تأسی از پیامبر
خدا ﷺ برای راهنمایی و ارشاد آنها سعی و تلاش همه جانبه را به خرج دهد.

فصل سوّم

احوال پیامبر ﷺ در حج با امت

درس و تعلیم

افتاء

پند و اندرز

توحید مصدر تلقی (فرماندهی واحد)

وحدت کلمه و دوری از فتنه و اختلاف

فصل سوّم

احوال پیامبر ﷺ در حج با امت

یک نگاه اجمالی به احوال پیامبر ﷺ در حج، بیننده را به تعجب وا می دارد! رسول خدا در یک وقت به حیث معلم، سرپرست، قائد و امام صحابه کرام ﷺ بوده اند، اما محال است که انسان عملی را مشاهده کند که پیامبر خدا، آن را خلاف اولی انجام داده باشند؛ همه احوال پیامبر با امت دلالت بر عظمت، بزرگواری و بزرگ منشی آن حضرت می کند. و ما بعضی از این احوال را به طور خلاصه ذکر می نمائیم:

۱- درس و تعلیم:

خداوند متعال پیامبر خود را به حیث "معلم" فرستاد، و آن حضرت ﷺ در وظیفه مقدس معلمی به اوج کمال رسیده بود، "معاویه ابن حکم السلمی" رسول خدا را این طور توصیف میکند: قبل از رسول الله و بعد از ایشان معلمی را ندیدم که تعلیم بهتر و زیبا تر از تعلیم ایشان داشته باشد.^۱ و اگر در سفر حج پیامبر خدا ﷺ تأمل نمائیم، در میابیم که معاویه ابن حکم ﷺ آن حضرت را چه خوب توصیف کرده است؛ چرا که قبل از حج امر فرمود تا صحابه اعلان کنند که رسول الله امسال اراده حج را دارد، تا اگر

۱ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۴۷۸.

۲ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۵۳۷.

کسی می خواست با پیامبر مرافق باشد، از قبل خبردار بوده و آمادگی لازم را بگیرد.

و یک روز کامل در ذوالحلیفه (میقات اهل مدینه) انتظار کرد تا مردم به ایشان به پیوندند^۱... از این لحاظ مردم زیادی به مدینه آمدند تا با پیامبر خدا ﷺ عازم سفر حج شوند، و مستقیماً خود شاهد اعمال و مناسک حج آن حضرت باشند؛ حتی تعداد مشارکین در حجة الوداع به یکصد هزار نفر رسیدند.^۳

در طول سفر، آن حضرت با مردم همراه بود و آنها را سرپرستی می کرد^۴، هر شخصی به آسانی می توانست با آن حضرت ملاقات نماید، و هیچ کسی را از ایشان دور نمی کردند.^۵

آن حضرت ﷺ کوشش داشت که مسایل و امور حج را به همه برساند، و توجه جدی صحابه کرام را به کردار و گفتار خویش جلب می نمود، از همه اسالیب خطاب و روشهای تعلیم استفاده کرد تا مردم بصورت صحیح تری

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۵۵۱.

۲ - سنن ابوداود، حدیث شماره: ۱۹۰۵.

۳ - مختصر السیره، صفحه: ۵۷۲.

۴ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۱۸۷، ۱۲۱۸، ۱۲۷۳.

۵ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۷۴.

مسایل را درک کنند، و امر کرد که مناسک را از او یاد بگیرند شاید که این حج، آخرین حج آن حضرت باشد.^۱

هنگامی که خطاب (سخنرانی) می نمود، بعضی از صحابه را دستور می داد تا مردم را ساکت کنند، چنانکه جریر رضی الله عنه روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله در حجة الوداع برایش گفت: مردم را ساکت کن. و پس از آن فرمود: بعد از من کافر نشوید که گروهی از شما، گردنهای گروه دیگری را بزنند.^۲

و هم چنین بلال رضی الله عنه روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله برایش دستور داد مردم را ساکت کند^۳ و از آنها خواست تا شهادت دهند که آن حضرت دین را بصورت کامل برایشان رسانده است، و هر بار بعد از رهنمائی و ارشاد از آنها سوال می کرد: خبر دار! آیا دین را رساندم؟!^۴

و صحابه کرام شهادت داده و می گفتند: دین را بصورت تمام و کمال رساندی و برای ما نصیحت و خیر خواهی نمودی.^۵

۱ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۹۷.

۲ - نگاه: سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۳۰۲۴.

۳ - صحیح بخاری حدیث شماره: ۱۲۱.

۴ - سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۳۰۲۴.

۵ - نگاه: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۴۱.

۶ - نگاه: صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

در مسأله تبلیغ و رساندن دین، تنها به خود اکتفا نکرد بلکه در وقت خطبه عرفه، "ربیعہ ابن امیہ رضی اللہ عنہ" را دستور داد تا با صدای بلند خطبه آن حضرت را تکرار کند و برای مردم بشنواند.^۱

و در "منی"، علی رضی اللہ عنہ سخنان آن حضرت را با صدای رسا تکرار می کرد و صحابه در حالیکه نشسته و یا ایستاده بودند، گوش فرا می دادند.^۲

و همچنین اشخاصی را به حیث نماینده فرستاد تا به خیمه های حجاج بروند و سخنان آن حضرت را برای آن ها برسانند.^۳

و گاهی در امر تعلیم از نوعی ملاحظت و شوخی کار میگرفت، چنان که ابن عباس رضی اللہ عنہ می فرماید: ما، چند تن از نوجوانان بنو عبدالمطلب سوار خرها نزد آن حضرت آمدیم، با دست مبارک خویش آرام بر رانهای ما میزد و میفرمود:

فرزندانم! قبل از طلوع آفتاب، جمره نزنید.^۴

ارشاد و تدریس آن حضرت تنها برای صحتمندان و بزرگ سالها نبوده، بلکه مریضها و ضعیفان را نیز شامل می شده است، چنانکه برای "ضباعه"

۱ - السیره النبویه ۴/۳۴۲.

۲ - سنن ابو داود، حدیث شماره: ۱۹۵۶.

۳ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۸۸۳.

۴ - سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۳۰۲۵.

رضی الله عنها گفت: حج کن و شرط بگذار تا آنجا که توانستی ادامه بدهی.^۱

و چون امّ سلمه رضی الله عنها از مریضی خویش به آن حضرت شکایت برد، برایش فرمود: از پشت سر مردم سواره طواف کن.^۲
و برای ضعیفان و سالخوردهگان دستور داد که از "مزدلفه" هنگام شب و قبل از طلوع فجر بیرون شوند.^۳
به طوریکه ارشاد و رهنمائی آن حضرت، خورد سالان و اطفال را نیز شامل بود، و از آن جمله:

به ابن عباس رضی الله عنهما فرمود: برایم سنگریزه جمع کن.
ابن عباس می گوید: برایش سنگ ریزه جمع کردم و آنها را بدست مبارک او گذاشتم، و آن حضرت فرمود: مثل اینها صحیح است.^۴
و برای نوجوانان بنی عبدالمطلب فرمود: قبل از طلوع آفتاب جمره نزنید.^۵

۱ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۰۷.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۴۶۴.

۳ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۷۹.

۴ - سنن نسائی، حدیث شماره: ۳۰۵۹.

۵ - سنن ابی داود، حدیث شماره: ۱۹۴۰.

ارشاد و راهنمایی آن حضرت برای صحابه کرام تنها جنبه علمی نداشت، بلکه جانب عملی و فلسفی آن را نیز برایشان واضح می ساخت؛ مثل فرموده آن حضرت:

طواف خانه خدا، سعی بین صفا و مروه و رمی جمار بخاطر برپاداشتن یاد خدای بزرگ مشروع شده است.^۱

و گاهی نیز با ذکر فضایل خاصی برای بعضی اعمال، معنویات صحابه را بالا برده و عزم و اراده شان را مصمم تر می ساخت.
از آن جمله:

* فرموده آن حضرت ﷺ: بهترین دعا، دعائی روز عرفه است. و بهترین سخنی که من و پیامبران پیش از من گفته اند: «لا إله إلا الله، وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، وهو على كل شيء قدير».

* و ارشاد مبارك: مسح "حجر الاسود" و "رکن یمانی" گناهان را می ریزاند.^۳

۱ - سنن ابو داود، حدیث شماره: ۱۸۸۸. شعیب ارناؤوط این حدیث را در "تخریج جامع الأصول" حدیث شماره: ۱۵۰۵، "حسن" قرار داده است.

۲ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۳۵۸۵.

۳ - صحیح ابن خزیمه، حدیث شماره: ۲۷۲۹، صحیح ابن حبان، حدیث شماره: ۳۶۹۸ با اسناد قوی.

* و هم چنین فرموده ایشان: کسی که به خانه خدا طواف کند و بعد از آن دو رکعت نماز بخواند، مانند این است که غلام آزاد کرده باشد.^۱

* و آن گاه که از آن حضرت سوال شد کدام حج بهتر است؟ فرمود: حجّی که در آن تلبیه با صدای بلند گفته شود و شخص حج گذار قربانی نماید.^۲

* و تیکه یکی از انصار در "منی" از فضایل بعضی از اعمال سوال کرد، آن حضرت ﷺ برایش فرمود: و چون از خانه ات بیرون شدی و قصد حج بیت الله الحرام را نمودی، به هر قدمی که سواری ات بردارد، خداوند متعال برای تو یک نیکی نوشته و یک بدی را محو می کند. و آن گاه که در "عرفه" ایستادی پروردگار بزرگ به آسمان دنیا آمده^۳، به ملائکه خویش فخر میکند و می فرماید:

"اینها بندگان من هستند، گرد و غبار زده و خاک آلوده از راههای دور آمده اند؛ رحمت من را می خواهند و از عذابم می ترسند در حالیکه من را ندیده اند، پس چطور اگر من را ببینند!؟"

۱ - سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۲۹۵۶.

۲ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۸۲۷.

۳ - چنان که لایق شأن او تعالی است بدون تشبیه و تمثیل و تعطیل، برای تفصیل بیشتر این موضوع به کتاب شرح عقیده طحاویه تألیف ابن ابی العز حنفی و سایر کتب عقیده مراجعه شود.

پس اگر گناهان تو به اندازه ریگهای عالج (اسم ریگزار وسیعی در عربستان)، یا روزهای دنیا و یا به اندازه قطره های باران باشد، خداوند همه آنها را از تو شسته و تو را از گناه پاک میکند، و اما "رمی جمار" ثوابش برای تو ذخیره است، و چون طواف خانه را انجام دادی از گناهان خویش طوری بیرون می آئی (پاک می شوی) مثل روزی که از مادر تولد شدی (و بی گناه بودی).^۱

و از مهمترین اموری که پیامبر بزرگوار اسلام به تعلیم آن اهتمام خاص ورزیده اند:

الف: احکام مناسک: که رسول خدا ﷺ آن را زبانی بیان فرموده و بعدا عملی برای صحابه نشان داد، چنانکه روز قبل از یوم الترویة (روز هشتم ذوالحجه) برای مردم، خطبه ارشاد کرده و مناسک را بیان نمود^۲... و بعدا در

۱ - مصنف عبدالرزاق، حدیث شماره: ۸۸۳۰ و لفظ حدیث از او است. احادیث مشابه این حدیث را میتوان در: صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۳۸۴، و جامع ترمذی، حدیث شماره: ۳۵۸۵ یافت.

۲ - مستدرک حاکم ۶۳۲/۱، علامه البانی در "صحیح الجامع"، حدیث شماره: ۴۷۷۴، این حدیث را صحیح گفته است.

وقت انجام دادن هر یک از "نُسک" حکم آن را برای صحابه بیان می فرمود.^۱

ب: بیان منزلت ارکان و قواعد اسلام؛ که در یکی از خطبه های خود فرمود: از پروردگار خویش بترسید، و نمازهای پنج وقت تان را بخوانید، ماه رمضان را روزه بگیرید، و زکات مالهای خویش را پردازید، از ولی امر خود اطاعت نمائید به بهشت پروردگارتان داخل می شوید.^۲

ج: نهی اکید از شرک و بعضی محرمات (مثل خون، مال و آبرو) که همه ادیان سماوی بر تحریم آن اتفاق دارند، و فرمود:

خونها، مالها و آبروهایتان در بین شما حرام است مثل حرمت این روز در این ماه و در این شهر.^۳

و امروزه که ملیون ها انسان در موسم حج از اطراف و اکناف عالم اسلامی با شوق و علاقه وافر راهی اماکن مقدّس می شوند، فرصت طلائی برای علما و دعوتگران است که از این اجتماع ملیونی عظیم استفاده نموده، اصول و احکام دین را برای مسلمانها بیان کنند.

۱ - بطور مثال مراجعه شود به: صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸، جامع ترمذی، حدیث

شماره: ۸۸۵، سنن ابی داود، حدیث شماره: ۱۹۵۹.

۲ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۶۱۶.

۳ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۶۷.

و هم چنین برای عامهٔ مسلمانان لازم است فرصت را غنیمت شمرده و از علمای کرام استفادهٔ بیشتری ببرند.

۲- افتاء

از مهمترین احوال و وظایف پیامبر ﷺ در حج بیان مسایل دینی و افتاء برای مردم بود؛ چرا که در هر مشکل و یا مسأله ای که برای صحابه پیش می آمد به آن حضرت رجوع می نمودند.

فتاوی پیامبر در موسم حج بسیار زیاد است، و ما بطور نمونه بعضی از آنها را ذکر می نمائیم:

زنی از قبيله "خثعم" گفت: یا رسول الله! پدرم پیر و سالخورده است و حج برایش فرض شده و او خود نمی تواند بر پشت شتر قرار بگیرد! پیامبر ﷺ فرمود: تو از جای پدرت حج کن^۱.

و هر آن کسی که از تقدیم و یا تاخیر در اعمال روز نحر (روز عید قربان) سوال می کرد، آن حضرت برایش می فرمود:
"إفعل ولا حرج"^۲ یعنی: انجام بده و باکی ندارد.

۱- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۳۳۵.

۱- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۸۳، البته ترتیب در اعمال حج در مذهب حنفی واجب می باشد یعنی شخص حاجی اعمال روز عید قربان را باید اینطور انجام دهد: ۱- زدن جمره ۲- تراشیدن موی سر ۳- قربانی و پس از آن خود را حلال کند، و اگر کسی ترتیب را ترک کرد، دم (قربانی) برایش لازم می شود. برای تفصیل بیشتر مراجعه شود

از خلال فتوهای پیامبر در روز های حج امور ذیل برای ما به خوبی واضح میشود:

- آن حضرت ﷺ در مقابل مردم ایستاده بود و همگان او را میدیده اند تا در سوال کردن به مشکلی برخورد نکنند؛ چنانکه جابر رضی الله عنه روایت میکند:

پیامبر خدا در حجة الوداع، طواف خانه را در حالیکه سواره بود انجام داد، "حجرالاسود" را با عصایش استلام نمود تا مردم ایشان را خوب ببینند و اگر خواستند از آن حضرت ﷺ سوال کنند.^۱

و در حدیث عبدالله ابن عباس رضی الله عنهما آمده که: پیامبر خدا روبروی مردم ایستاده و به سوالهای شان پاسخ می داد.^۲

- پیامبر خدا ﷺ در فتوا هایش جانب آسانی و تخفیف برای مردم را به شدت مراعات می فرمود. بطور مثال:

به: فتح القدیر از کمال ابن همام حنفی ۴۸۸/۲. و مولانا ظفر احمد عثمانی تهانوی در "إعلاء السنن" دلیل احناف را عمل پیامبر دانسته است که به همین ترتیب عمل کرده و همچنین فرموده اند: مناسک حج خود را از من بگیرید. نگاه: إعلاء السنن: ۱۶۰/۱۰، عمدة القاری ۷۴۰/۴.

و بقیه مذاهب به این حدیث عمل کرده و ترتیب را واجب نمیدانند.

۱ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۷۳.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۶۲۲۸.

الف - چنانکه آنحضرت ﷺ برای ضباعه رضی الله عنها اجازه دادند تا در حج خویش شرط بگذارد.^۱

ب - عبدالله ابن عمرو رضی الله عنه می فرماید که: او پیامبر خدا را دید که در روز نحر (روز دهم) برای مردم خطاب می نمود، شخصی ایستاد و گفت: گمان می کردم که فلان عمل قبل از فلان عمل است، بعدا کسی دیگر ایستاده و گفت: قبل از اینکه قربانی کنم سر خویش را تراشیدم و پیش از "رمی جمار"، قربانی نمودم و کسانی دیگری نیز مثل این اقوال گفتند.

پیامبر ﷺ برای هر یک از ایشان می فرمود: به حج خود ادامه بده و باکی ندارد.^۲

ج - در حدیث عبدالله ابن عمر آمده است که عباس ابن عبدالمطلب از پیامبر اجازه خواست که شبهای "منی" را بخاطر سقایه در "مگه" بماند، پیامبر خدا برایش اجازه دادند.^۳

- آن حضرت کوشش داشتند تا شخص سوال کننده را قناعت بدهند که در ذهنش هیچ شک و شبهه ای باقی نماند.

۱ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۰۷.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۳۶.

۳ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۳۴.

چنانکه شخصی نزد آن حضرت آمد و گفت: ای پیامبر خدا! پدرم مسلمان شده و او خیلی پیر است و بر سواری (مرکب) قرار گرفته نمی تواند، آیا من بجای او حج کنم؟

پیامبر ﷺ فرمودند: اگر بر ذمه پدرت قرض باشد و تو قرض او را ادا نمائی، آیا قرض اداء می شود؟ آن شخص گفت: بلی ادا میشود.

پیامبر ﷺ فرمود: پس از جای پدر خود حج کن^۱ (که این هم صحیح است و ادا می شود).

- بردباری آن حضرت در مقابل سؤال کنندگان

ابن عباس رضی الله عنهما می فرماید: جمع غفیری از مردم در اطراف آن حضرت حلقه زده و می گفتند: این محمد است، این محمد است - حتی مردم از خانه هایشان بیرون شدند - و با وجود این همه ازدحام کسی را از جلو پیامبر دور نمی کردند و نه هم افرادی مأمور باز کردن راه بودند، و چون ازدحام مردم زیاد شد، آن حضرت ناقه خویش را سوار شد^۲.

۱ - مسند امام احمد، حدیث شماره: ۱۸۱۲.

۲ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۶۴.

حتّی رسول خدا سعی بین "صفا" و "مروه" را نیز سواره بر شتر انجام داد^۱ (در حالیکه این عمل سنّت نیست و پیامبر ﷺ این کار را بخاطر ضرورت انجام داد تا همه مردم او را ببینند و سخن او را بشنوند).
 "قدمه عامری رضی الله عنه" می فرماید: پیامبر خدا را دیدم که در روز نحر (روز عید قربان) سوار بر "صهبا" (اسم ناقه آن حضرت) جمره زد، در اطراف آن حضرت زدن و دفع کردن نبود، و نه هم کسی به مردم می گفت که دور شوید، دور شوید.^۲

فتاوی پیامبر ﷺ در امور حج

بطور مثال: چون "اسماء بنت عمیس رضی الله عنها" در "ذوالحلیفه" وضع حمل نمود، کسی را نزد پیامبر فرستاد که بعد از وضع حمل چه بکند؟ پیامبر ﷺ فرمود: غسل کرده و با پارچه ای مکان خون (فرج) را بسته کند و پس از آن احرام ببندد.^۳

- و از جمله فتاوی آن حضرت در امور غیر حج

"ابوقتاده رضی الله عنه" می فرماید: با پیامبر ﷺ به قصد سفر حج حرکت نمودیم ... و در حدیث قصه شکار گورخر وحشی را بیان می کند که

۱ - مسند امام احمد، حدیث شماره: ۲۸۴۲، و این حدیث "حسن" است.

۲ - سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۳۰۳۵.

۳ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

دوستان ابوقتاده - در حالی که محرم بودند از آن خوردند- و بعدا فکر کردند که چرا گوشت شکار را در حالت احرام خورده اند؟!... و بقیه گوشت را با خود گرفتند تا به نزد رسول خدا آمدند و سوال نمودند که ای پیامبر خدا! ما همه احرام بسته بودیم و ابو قتاده هنوز احرام نبسته بود، گوره خر های وحشی را دیدیم، ابو قتاده به آنها حمله کرد و گورخر ماده ای از آنها را شکار نمود.

بعداً در جایی استراحت نمودیم و از گوشت آن گورخر نیز مقداری خوردیم و پس از آن به فکر افتادیم که چرا در حالی که احرام بسته ایم از گوشت شکار خوردیم؟

و حالا باقی مانده گوشت را با خود آوردیم. پیامبر ﷺ فرمود: آیا کسی از شما ابو قتاده را امر به شکار کرد، و یا به سوی شکار اشاره کرده است؟ گفتند: نه. فرمود: بقیه گوشت آن را نیز بخورید!.

تنوع جوابدهی آن حضرت برای سؤال کنندگان

که گاهی جواب کوتاه و خاص برای شخص سوال کننده می داد، مثل جواب آن حضرت برای دختری از قبیله خثعم که سوال نمود: یا رسول الله!

حج، بر پدرم که پیر و نا توان است فرض شده است و او خود را بالای سواری نمی تواند نگه دارد، آیا من به جای او حج کنم؟ فرمود: بلی^۱. و گاهی نیز جواب عام میدادند تا همه مردم و اطرافیان نیز مستفید شوند؛ چنانکه در حدیث "عبدالرحمن ابن یعمر رضی الله عنه" آمده است که: گروهی از اهل "نجد"^۲ خدمت پیامبر خدا در "عرفات" رسیدند و سوال نمودند، حضرت پیامبر ﷺ منادی را امر نمود تا در بین مردم فریاد بزند: حج، عرفه است^۳.

- بعضی اوقات، آن حضرت فتوایشان را با نوعی تشویق و ترغیب همراه می ساختند.

بطور مثال: زنی در "روحا" طفلی را بلند کرد و از پیامبر خدا سوال نمود: آیا بر این طفل حج هست؟ آن حضرت فرمود: بلی و برای تو نیز ثواب دارد^۴ (که سرپرست و مساعد طفل هستی و او را از خردسالی با این فریضه آشنا می سازی).

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۵۱۳.

۲ - قسمت بالائی عربستان و مقابل آن "نهامه" است، شهر ریاض (پایتخت عربستان) جزء نجد بشمار می رود.

۳ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۸۸۹.

۴ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۳۳۶.

خلاصه اینکه فتاوای پیامبر در موسم حج خیلی زیاد می باشد؛ آن حضرت در مدینه منوره^۱ (قبل از حرکت به سفر حج) و در هنگام احرام بستن در ذوالحلیفه^۲، در بیت الله الحرام^۳، در عرفات^۴، در مزدلفه^۵ و منی^۶، در وقت حرکت بین مشاعر مقدسه^۷ و در راه بازگشت بسوی مدینه^۸ به سوالهای حجاج پاسخ داده اند.

و امروزه نیز برای دعوتگران و علمای کرام که وارثین انبیا و پرچم داران اسلام هستند، لازم است که مردم را ارشاد و رهنمائی نموده و آنها را از سر درگمی در آورند.

و اگر هر عالمی به زبان محلی خویش و برای قوم خود، مسایل را بفهماند خیلی از مشکلات حجاج به سادگی و آسانی رفع خواهد شد.

-
- ۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۳۶، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۳۶۶.
 - ۲ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.
 - ۳ - نگاه: فتوای آن حضرت برای "سراقة ابن مالک" در صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.
 - ۴ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۸۸۹.
 - ۵ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۸۹۱.
 - ۶ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۸۳.
 - ۷ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۷۳.
 - ۸ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۳۳۶.

و همچنین، عوام الناس باید بدانند که در مسایل خویش به هر کس رجوع نکنند؛ بلکه قبل از آن تقوی، ثبات علمی و فهم طرف را دیده و بعد از او فتوی بخواهند.

۳- پند و اندرز

دین نصیحت و خیر خواهی است. ارشاد و راهنمایی مردم و اندرز دادن ایشان از وظایف اولیه مصلحین و دعوتگران می باشد.

خداوند متعال پیامبران خویش را دستور داده که مردم را نصیحت نمایند؛ چرا که وعظ و نصیحت به قلب طرف اثر گذاشته و کمک می نماید تا از خطا و لغزش دست بکشد و از غفلت بیرون بیاید، عظمت پروردگار بزرگ را به یاد او آورده باعث امثال دستورها و اجتناب از نواهی او تعالی می شود. خداوند متعال جل جلاله می فرماید:

﴿وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (الذاریات: ۵۵).

«و پند ده، هر آئینه پند دادن مؤمنان را سود میدهد».

از این لحاظ پیامبر خدا ﷺ با عنایت و اهتمام خاصی اصحاب خویش را یاد دهانی (اندرز) داده، و با روشها و اسالیب مختلف به وعظ و نصیحت آنها می پرداخت، امت خویش را به خیر و خوبی ارشاد نموده و به آن ترغیب داد، از شر و بدی نهی نمود و از آن ترساند.

از عادات شریفه آن حضرت این بود که وقت مناسب سنجیده، و برای اصحاب خویش ارشاد می فرمود؛ سخنان بسیار بلیغ و فصیح که چشمها را اشکبار و دلها را نرم میساخت.^۱

و همه این زحمات به این خاطر که یکی از مهمترین وظایف پیامبران و عظمی و نصیحت قوم می باشد.

در حج نیز آن حضرت، فرصت اجتماع کم نظیر مردم را غنیمت شمرده، و آنها را در جاهای مختلف و عظمی و نصیحت فرمود.

و اگر با امعان نظر و دقت کامل در نصایح آن حضرت بنگریم امور ذیل برای ما واضح خواهد شد:

الف - کثرت و عظمی آن حضرت در مناسبت ها و جاهای مختلف: از آن جمله خطبه تاریخی شان در "عرفات"^۳، و در وقت حرکت و انتقال بین

۱ - نگاه: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۷۰.

۲ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۲۶۷۶.

۳ - نگاه: صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

مشاعر^۱، و خطبه در روز نحر در "منی"^۲، و در روز های تشریق^۳، و در راه برگشت بسوی مدینه منوره^۴.

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۷۱، مسند امام احمد، حدیث شماره: ۲۲۶۴.

۲ - نگاه: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۴۱، ۴۴۰۳، ۴۴۰۶، ۵۵۵۰.

۳ - نگاه: مسند امام احمد، حدیث شماره: ۲۰۶۹۵.

۴ - مراجعه شود به وعظ و نصیحت آن حضرت برای مردم در "غدیر خم" اثناء بازگشت از حج که امام احمد و حافظ ابن کثیر از روایت علی رضی الله عنه و بعضی دیگر از صحابه آنرا آورده اند، داستانش از این قرار است که پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم علی رضی الله عنه را در رأس گروهی از صحابه به یمن فرستاده بود و در طول سفر بین علی رضی الله عنه و سائر صحابه ی کرام بعضی مشاجرات بوقوع پیوست اما همراهان او فکر کردند که علی با بخل و شدت بیش از حد با آنها برخورد کرده است. این افراد بعد از پایان یافتن مأموریت خویش به نزد رسول خدا صلی الله علیه وسلم در مکه باز گشته و در مراسم حج شرکت جستند و در ایام حج و بعد از آن شروع کردند به بد گفتن علی رضی الله عنه و این که با آنها در طول مأموریت با بخل و قساوت رفتار کرده است. و چون این جریانات به گوش پیامبر صلی الله علیه وسلم رسید، پس از بیرون شدن از مکه بسوی مدینه در "غدیر خم" (جایی در سه میلی جحفه در بین راه مکه و مدینه)، روز یکشنبه هیجدهم ذوالحجه در زیر درختی ایستاده و برای مردم خطبه داد، بعضی از مسایل را برای صحابه کرام بیان فرمود و از آن جمله فضایل اهل بیت و بطور خاص فضایل علی مرتضی رضی الله عنه را بیان نمود و شک و شبهه ای که در ذهن بعضی از صحابه نسبت به علی رضی الله عنه پیدا شده بود را از ذهن های آنها پاک کرد و فرمود: کسی که من را دوست دارد، باید این علی را نیز دوست

کثرت خطبه ها و وعظ ها به این خاطر بود که آن حضرت میدانست که این اجتماع عظیم انسانی دیگر تکرار نخواهد شد و از طرفی مردم در موسم حج تأثر بیشتری گرفته و صحبتها را بهتر قبول میکنند.

ب- آن حضرت ﷺ فرصت را غنیمت شمرده و در بین صحبتهای خویش و مواقف مردم نوعی ارتباط بوجود می آورد، چنانچه وقتی برای مردم در روز نحر خطبه داد فرمود: آیا میدانید که امروز چه روزیست؟ گفتیم: خدا و رسولش بهتر میدانند. پیامبر ﷺ ساکت شد تا جائیکه گمان کردیم آن روز را اسم دیگری می گذارد.

فرمود: آیا امروز، روز نحر نیست؟ گفتیم: بلی هست.

فرمود: این کدام ماه است؟ گفتیم: خدا و رسولش بهتر میدانند. پس آن حضرت سکوت نمود تا جائیکه گمان نمودیم که اسم دیگری برایش میگذارد.

فرمود: آیا ذوالحجّه نیست؟ گفتیم: بلی، ماه ذوالحجّه است.

داشته باشد، بار خدایا! هر که علی را دوست دارد، دوست بدار، و هر که او را دشمن بدارد دشمن بدار ... برای تفصیل بیشتر به: مسند امام احمد حدیثهای شماره: ۹۰۶، ۹۱۵، ۱۲۴۲، ۲۲۴۶۱ و البدایه والنّهایه از حافظ ابن کثیر ۲۳۳/۵-۲۴۰ و السیره النبویه از ابن هشام ۴۱۶/۴ و کتاب عقیده امامت و حدیث غدیر از مولانا محمود اشرف عثمانی دیوبندی مراجعه شود.

گفت: این کدامین شهر است؟ گفتیم: خدا و رسولش بهتر میدانند. رسول خدا ساکت شد تا آنجا که فکر کردیم اسم دیگری برایش انتخاب می نماید.

گفت: آیا "بلد الحرام" نیست؟ گفتیم: بلد الحرام است.

و آن گاه فرمود: خونها و مالهایتان در بین شما حرام است، مثل حرمت این روز شما، در این ماه و در این شهر شما تا روزی که پروردگارتان را ملاقات می نمائید.^۱

و آن گاه که از آن حضرت از تقدیم و تأخیر در اعمال یوم النحر (روز عید قربان) سوال شد، فرمود: حرجی نیست (باکی ندارد) مگر کسی که آبروی برادر مسلمان خویش را مورد حمله قرار دهد، آن حرج است و هلاکت.^۲

ج- رسول گرامی ﷺ بعضی از مسایل را در بیش از یک جا تکرار نمودند تا اهمیت این مسایل را برای مخاطبین بهتر واضح ساخته باشند، مثل تأکید آن حضرت بر حرمت خون، مال و آبرو که در روز عرفه^۳، روز عید قربان^۴ و در ایام تشریق^۱ این سخنان را تکرار نمودند، حتی که در روز نحر

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۴۱.

۲ - سنن ابو داود، حدیث شماره: ۲۰۱۵.

۳ - نگاه: صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۴ - نگاه: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۶۷.

چند بار این سخنان را تکرار نمود^۲ تا که صحابه کرام به عمق مسأله و اهمیت آن پی ببرند.

۵: و از نکات مهمی که در وعظ و ارشاد آن حضرت متوجه میشویم که سخنانشان در نهایت روشنی و فصاحت کامل بوده، از انتخاب الفاظ سخت و غریب خود داری نموده است تا که همه صحابه از صحبت‌های گهربار او استفاده یکسان نمایند.

و همچنین آن حضرت آنچه به مردم وعظ می نمود، قبل از همه خود مبارک ﷺ به آن جامه عمل می پوشانید. و از چیزی که مردم را نهی می کرد خود آن حضرت از آن چیز خویشتن را به کلی دور نگه می داشت. و نیز مشاهده می نمائیم که اصول دین و قواعد کلی آن را چندین مرتبه ذکر نموده و مسایل حقوق العباد را با اهمیت بیشتر بیان می نماید... و در موعظه های خویش از صحابه کرام استمداد می جسته تا سخنان آن حضرت را با صدای بلند به مردم برسانند، چنانکه "بشر ابن سعیم رضی الله عنه" می گوید: پیامبر خدا در ایام تشریق به او دستور داد تا بین حجاج با صدای بلند اعلان کند: به جنت داخل نمیشود مگر نفس مؤمن^۳ ...

۱ - مسند امام احمد، حدیث شماره: ۲۰۶۹۵.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۳۹.

۳ - صحیح ابن خزیمه، حدیث شماره: ۲۹۶۰.

و همچنین آن حضرت در خطبه ها و سخنرانی های خود تنها بر ترهیب (بیم دادن و ترساندن) اکتفا ننمود، بلکه در جاهای زیادی حاضرین و صحابه کرام را ترغیب میداد، چنانکه فرمود: کسی که برای خدا حج ادا نماید و فسق و فجور نکند، بر میگردد مانند روزی که از مادر تولد شده باشد^۱ (یعنی پاک از گناهان).

و در روز عرفه فرمود: خداوند متعال به این جمع تان فضل و کرم خاصی نموده، تا جایی که بدکار شما را به نیکو کارتوان بخشید و برای نیکو کارتوان هرچه درخواست نمود، داده است^۲.

آن حضرت در موعظه ها و خطبه های خویش قضایای مهمی را مطرح کرده و روی آن قضایا تأکید می فرمود. از آن جمله:

الف: امر به تقوی و خوف الهی و راهنمایی به آن اعمالی که انسان را به بهشت داخل میکند، طوری که فرمود: از پروردگار خویش بترسید، نماز های پنج وقت را ادا نمائید، ماه رمضان را روزه بگیرید، زکات اموال تان را پردازید و از ولی امر خود اطاعت نمائید به بهشت پروردگار تان داخل می شوید^۳.

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۵۲۱.

۲ - سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۳۰۲۴.

۳ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۶۱۶.

ب: یاد دهانی و اندرز بر اینکه هیچ شخصی گناه شخص دیگر را به دوش نمی کشد و هر انسان در نزد پروردگار مسئول اعمال فردی خویش می باشد، چنانکه فرمود: آگاه باشید! هر کسی که جنایتی انجام دهد، فقط همان کس مسئول عواقب آن جنایت خواهد بود. پدر از گناه پسر و پسر از گناه پدر سوال نمیشود.^۱

ج: تشویق به اخلاق پسندیده و کارهای نیک و ترک گناه و نافرمانی، مثل فرموده آن حضرت: کسی که حج کند و نافرمانی و گناه ننماید، بر می گردد مانند روزی که از مادر زاده شده.^۲

و چون از آن حضرت سوال نمودند نیکی حج چیست؟ فرمود: طعام دادن و سخن نیکو گفتن.^۳

د: بر حذر داشتن از غلو (زیاده روی) در دین، چنانکه فرمود: ای مردم! از غلو در امور دینی پرهیزید؛ چرا که پیشینیان از شما را غلو در دین هلاک نموده است.^۴

۱ - سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۲۶۶۹.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۸۱۹.

۳ - صحیح الجامع از آلبنی، حدیث شماره: ۲۸۱۹، مستدرک حاکم ۱/۶۵۸.

۴ - سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۳۰۲۹.

ه: وصیت به نیکی با پدر و مادر و نگه داشتن روابط خویشاوندی، که آن حضرت ﷺ در خطبه "مِنَى" این امر را با تأکید زیاد ذکر نمود و فرمود:

به مادر و پدر، خواهر و برادر خویش نیکی نمایید، بعد از آن هر که نزدیک تر باشد^۱. یعنی مستحق نیکی، مواسات و تمام خوبی های که شخص انجام میدهد قبل از همه مادر و بعد از آن پدر و خواهر و برادر می باشند و همین طور بر اساس نزدیکی و قرابت خونی و رشته ای.

و: وصیت خاص به نیکی درباره زنان و برده ها و دستور اکید مبنی بر احسان با آنها: در این مورد فرمود: از خداوند متعال در باره زنان بترسید، شما زنان را به امان از طرف خداوند گرفته اید و فرجهای آنان به کلمه ای از طرف خدا (نکاح شرعی) برایتان حلال شده است^۲.

و پس از آن بعضی از حقوق مدنی زن و شوهر را بیان کرد و فرمود: از حقوق مرد، بر همسرش این است که کسی را که شوهر دوست ندارد به خانه اش راه ندهد و اگر این کار را انجام داد، شوهر می تواند همسرش را تأدیب نماید^۳.

۱ - صحیح الجامع، حدیث شماره: ۱۴۰۰

۲ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۳ - مصدر سابق.

و در روایت دیگری آمده است: آگاه باشید! با زنان به نیکویی برخورد نمائید؛ چرا که آنها در نزد شما مانند اسیر می باشند.^۱

و در باره برده ها فرمود: برده هایتان، برده هایتان، از آن چیزی که میخورید برای آنها بدهید و به آنها لباسی بپوشانید که شما خود می پوشید، و اگر گناهی انجام دادند و شما نخواستید از آنها در گذرید، آنها را عذاب نکنید بلکه به فروش برسانید.^۲

ز: تشویق بر اجتناب از اذیت دیگران، و ترک معصیت خدای متعال؛ چرا که فرمود: آیا مؤمن را برای شما معرفی ننمایم؟! کسی است که مردم او را بر مالها و جانهای خویش امین بشمارند، مسلمان کسی است که مردم از زبان و دستش سلامت زندگی نمایند، و مجاهد شخصی است که در راه خداوند بر علیه نفس خود جهاد کند و مهاجر آن کسی است که گناهها و خطاها را ترک نماید.^۳

ح: تشویق آن حضرت برای صحابه که دین را طوریکه شنیده اند برای بقیه مردم نیز برسانند.

۱ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۳۰۸۷.

۲ - مسند امام احمد، حدیث شماره: ۱۶۴۰۹، با اسناد ضعیف. اما اصل این حدیث در صحیحین از حدیث ابوذر رضی الله عنه موجود می باشد. نگاه: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۳۰، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۶۶۱.

۳ - سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۳۹۳۶.

و همچنین آنها را از اینکه بر پیامبر خدا دروغ ببندند سخت بر حذر داشت؛ و در این مورد فرمود: شما من را دیدید و از من چیز هایی شنیدید و مردم از شما درباره من سوال خواهند نمود، پس کسی که بر من دروغ ببندد باید جایگاه خویش را در آتش جهنم آماده سازد.^۱

و بالاخره اینکه ترغیب دادن صحابه کرام به تضرع، مناجات و نیایش به حضور رب العزت جل جلاله، و در این مورد فرمود: خداوند متعال در هیچ روزی بیشتر از روز عرفه، بنده ها را از آتش جهنم آزاد نمی کند. و خداوند در این روز (به آسمان دنیا) نزدیک می شود (چنانکه شایسته او تعالی است بدون تشبیه و تمثیل)، به ملائکه خویش مباحثات می کند و می فرماید: اینها (این انسانها) چی میخواهند؟!^۲

خواننده نهایت محترم! رسول خدا ﷺ بهترین و پاکترین این امت یعنی صحابه کرام رضوان الله عنهم اجمعین را که شاگردان مکتب نبوت و تربیت شدگان دامن پاک پیامبر بودند، را با اهتمام بیش از حد و عظمت و نصیحت می فرماید، پس امروزه - که متأسفانه - عده زیادی از مسلمانان در جهل و بیسوادی بسر می برند، بدعتها و رسومات را روش زندگی خویش قرار داده و از سنت و اتباع آن دور شده اند، نیاز بیشتر دارند تا علمای کرام واجب دینی شان را ادا نموده، و مردم را ارشاد و رهنمایی نمایند تا گمشدگان بار

۱ - مسند امام احمد، حدیث شماره: ۲۳۵۴۴.

۲ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۳۴۸.

دیگر راهشان را پیدا کنند و سنت پیامبر گرامی اسلام را سرمشق زندگی خویش قرار دهند.

۴- توحید مصدر تلقی (فرماندهی واحد)

اسلام، خضوع و گردن نهادن تنها برای پروردگار لاشریک و فرمانبرداری از دستورات پیامبر او را برای پیروان خویش درس میدهد، خداوند متعال می فرماید:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (النساء: ۶۵).

«پس قسم به پروردگار تو که ایشان مسلمان نباشند تا آنکه داور کنند تو را در اختلافی که میان ایشان واقع شد، باز در دل‌های خویش تنگی از آنچه حکم فرمودی نیابند و کاملاً گردن نهند.»

و پیامبر بزرگوار اسلام می فرماید: هرگز ایمان نیاورده است یکی از شما، مگر اینکه خواهش نفس خویش را تابع آنچه که من آورده ام قرار دهد.^۱

۱ - الإبانة الكبرى از ابن بطه ۲۹۸/۱، این حدیث را امام نووی رحمه الله در آخر اربعین نووی، صحیح گفته است. و حافظ ابن حجر می گوید: رجال حدیث ثقه هستند. نگا: فتح الباری ۳۶۴/۲۰.

از امام شافعی رحمه الله علیه روایت شده است: اجماع امت اسلامی بر اینست که اگر کسی سنت رسول خدا برای او واضح شد، جایز نیست که سنت رسول خدا را به قول شخص دیگری ترک نماید^۱.

و حج مدرسه ایست که مسلمانان در آن درس انقیاد و تسلیم در برابر دستورات خدا و رسولش را فرا می گیرند، پیامبر خدا ﷺ در این مدرسه اصحاب خویش را بر اتباع و فرمانبرداری تربیت کرد و اهمیت تأسی و اقتدا به سنت و رفتار پیامبر را در نفوس آنها غرس نمود.

در نتیجه تربیت سالم و اساسی پیامبر خدا مثالهای زیر را از زندگی صحابه کرام مشاهده می نمائیم:

الف: عمر فاروق رضی الله عنه به "حجر الاسود" نزدیک شده و آنرا می بوسد و پس از آن می فرماید: من خوب میدانم که تو سنگ هستی به کسی فایده و یا ضرری رسانده نمی توانی. و اگر من پیامبر خدا را ندیده بودم که تو را می بوسد، هرگز تو را نمی بوسیدم^۲.

۱ - مدارج السالکین از حافظ ابن قیم ۳۳۵/۲.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۵۹۷.

و فرمود: انجام دادن "رَمَلٌ" و "اضطباع" چرا؟ در حالیکه خداوند متعال اسلام را ثابت ساخته و کفر و اهل آنرا از بین برده است! اما با وجود این، کاری را که در زمان رسول خدا انجام می دادیم ترک نمی کنیم^۲.

۱ - "رَمَلٌ" در زبان عربی، تیزرفتن و تکان دادن شانه ها در سه شوط اول طواف قدوم را می گویند. واضطباع این است که شخص طواف کننده ردا (احرامی) را از زیر شانه راست خویش بگذرانند طوری که شانه چپ خود را با آن بپوشاند و این یک نوع آمادگی می باشد. و اضطباع خاص به طواف قدوم است. برای تشریح بیشتر معنای رَمَلٌ و اضطباع مراجعه شود به: النهایه فی غریب الاثر ۲/۲۶۵، لسان العرب ۸/۲۱۶. و نا گفته نباید گذاشت که منظور از رمل و اضطباع در اول امر، اظهار قوت مسلمانها بوده است (که برای عمره القضا آمده بودند) تا مشرکین که گمان میکردند آب و هوای مدینه برای مسلمانان تأثیر بد گذاشته، و هم چنین مهاجرت و دوری از وطن و زندگی سخت با مشکلات و نابسامانیهای هجرت آنها را ضعیف ساخته است، مشاهده نمایند که مسلمانان هنوز قوی اند و با پهلوانی و قدرت تمام طواف را بجا می آورند. و رمل و اضطباع بعد از زوال سبب نیز باقی مانده است بدلیل اینکه پیامبر خدا در حج خویش (بعد از فتح مکه و قدرت مسلمانها) رَمَلٌ و اضطباع را ترک نکرد. نگاه: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۰۴، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸، زاد المعاد: ۲/۲۲۵.

۲ - سنن ابوداود، حدیث شماره: ۱۸۸۷.

و شخصی از ابن عمر رضی الله عنهما در باره ی استلام حجر الاسود سوال نمود. ابن عمر گفت: پیامبر را دیدم که حجر الاسود را در بغل گرفت و بوسید.

آن شخص گفت: اگر بیرو بار (شلوغ) زیاد بود و اگر مردم مرا زیر دست و پا کردند، چکار کنم؟
ابن عمر رضی الله عنه گفت: اگر اگر را به "یمن" بگذار، من رسول الله را دیدم که آن را در بغل گرفت و بوسید!

عبدالله ابن عباس رضی الله عنه، امیر معاویه رضی الله عنه را دید که همه ارکان کعبه را استلام می نماید (دست میکشد). برایش گفت: چرا این دو رکن (رکن عراقی و رکن شامی) را استلام می کنی در حالیکه رسول خدا آن دو را استلام نمی نمود؟! معاویه گفت: هیچ قسمتی از خانه کعبه مهجور نیست! ابن عباس گفت: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ (الأحزاب: ۲۱).

«به راستی پیامبر خدا برای شما سرمشق و الگوی نیک است».

معاویه رضی الله عنه گفت: راست گفتی^۲ (و از قول خویش رجوع کرد).

طوری که ذکر نمودیم مثال های زیادی از تربیت رسول خدا صلی الله علیه و آله بر صحابه کرام به چشم میخورد که آن حضرت بر وحدت مصدر تلقی و اتباع

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۱۱.

۲ - مسند امام احمد، حدیث شماره: ۱۸۷۷.

رسول تأکید فرموده است که در جاهای زیادی از صحابه می خواهد که بر نقش قدم او روان باشند و این حدیث را چند بار تکرار نمود: مناسک حج خود را از من یاد بگیرید، شاید پس از این در موسم حج من با شما نباشم.^۱

ب: تشویق مردم در خطبه روز عرفه بر چنگ زدن به وحی الهی؛ چرا که وحی تنها راه جلو گیری از گمراهی و کجروی است و در این مورد فرمود: در بین شما چیزی را گذاشتم که اگر به آن چنگ بزنید، هرگز بعد از آن گمراه نخواهید شد: آن کتاب الله (قرآن کریم) است.^۲

ج: بر حذر داشتن امت از پیروی خواهشات نفس و بدعت گذاری در دین، چنانچه در "عرفات" در حالیکه بر شترش سوار بود مردم را از بدعت گذاری در دین بر حذر داشت.^۳

د: تمرین عملی برای بعضی از صحابه در باره اعمال حج و چگونگی انجام دادن آنها و بر حذر داشتن صحابه از غلو در دین، چنانچه در حدیث ابن عباس آمده است: در صبح روز دهم ذوالحجه پیامبر خدا ﷺ در حالیکه بر ناقه خویش سوار بود، فرمود: برایم سنگ ریزه جمع کن. ابن عباس گفت: من برایش هفت سنگ ریزه جمع نمودم... و پس از آن مردم را از غلو در

۱ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۹۷.

۲ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۳ - سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۳۰۵۷، مراجعه شود به: فتح الباری: ۳۹۳/۱۱.

دین باز داشت و فرمود: غلو در دین امت های پیش از شما را هلاک نموده است.^۱

هن آن حضرت ﷺ در هنگام رفت و آمد بین مشاعر مقدّسه، گاهی اسامه ابن زید رضی الله عنه (مشهور به حبّ رسول الله) و گاهی پسر کاکای (پسر عموی) خویش فضل ابن عباس رضی الله عنه را با خود سوار می نمود تا از نزدیک با پیامبر صلی الله علیه و آله باشند، مسایل را صحیح یاد گرفته و برای مردم برسانند.

از همین خاطر، صحابه وقتی که دیدند اسامه رضی الله عنه از "عرفات" تا "مزدلفه" پشت سر پیامبر سوار است، گفتند: دوست ما آنچه را که پیامبر صلی الله علیه و آله انجام دهد برای ما خواهد گفت.

و آنگاه که مشاهده نمودند، رسول خدا صلی الله علیه و آله فضل را از "مزدلفه" تا "منی" با خود سوار نمود، گفتند: آنچه را که رسول الله انجام دهد، فضل برای ما خواهد گفت.^۲

و از بهترین مثالهای که تربیت صحابه کرام توسط رسول خدا و اتباع صحابه از آن حضرت را نشان می دهد، این است که رسول خدا در ابتدا برای صحابه اختیار داد، آنعه ای که به همراه خویش "هدی" نیاورده اند، می توانند بعد از ادای عمره خود را حلال کنند و حتی با زندهای خویش نزدیکی نمایند، چنانکه ابن عباس رضی الله عنه می فرماید: ...بعد از اینکه

۱ - سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۳۰۲۹.

۲ - مسند امام احمد، حدیث شماره: ۲۱۸۶۱.

پیامبر ﷺ نماز صبح را خواند، فرمود: کسی که با خود "هدی" نیاورده است اگر خواسته باشد می تواند بعد از عمره خود را حلال نماید^۱ (و بعداً در روز هشتم برای حج دو باره احرام ببندد).

اما قبل از اسلام، مشرکان را عقیده بر این بود که عمره در ماههای حج روانیست و این کار را از بدترین گناهها میدانستند^۲.

در این وقت پیامبر ﷺ متوجه شد که بعضی از مردم هنوز از رسم و رواج های زمانه جاهلیت متأثر هستند و نمی خواهند که از احرام بیرون شوند (در حالی که بعضی از صحابه کرام اظهار کرده بودند که شوق وافر به زندهای خویش پیدا کرده اند و می خواستند که از احرام بیرون شوند^۳).

رسول خدا ﷺ با مشاهده این حالات، بر صحابه کرام لازم گردانید که خود را حلال نمایند، تا باشد که رسم و رواج زمان جاهلیت که تا هنوز در ذهن بعضی از مردم باقی مانده است برای همیشه از بین برود و تنها دستورات خدا و رسول قابل اطاعت و فرمان برداری باشند... و صحابه کرام نیز اطاعت نمودند و وفاداری خویش را ثابت ساختند^۴.

۱ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۴۰.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۵۶۴.

۳ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۶.

۴ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۷۳۶۷، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۶.

و امروزه مشاهده می شود که خرافات در بین پیروان اسلام زیاد شده است و مردم در موسم حج و یا غیر از آن مرتکب بدعتهای زیادی میشوند... و تنها راه بیرون شدن از بدعتها و اصلاح مجدد، رو آوردن به سنت مطهر پیامبر گرامی اسلام است که در نتیجه رضای پروردگار و بهشت نصیب خواهد شد.

و در مقابل دوری از سنت پیامبر و رو آوردن به بدعتها باعث هلاکت و داخل شدن به عذاب الهی است.

نبی مهربان ﷺ می فرمایند: همه امت من وارد بهشت می شوند مگر کسی که خودش نخواهد.

گفتند: یا رسول الله! کیست که نمی خواهد به بهشت داخل شود؟ فرمودند: کسی که از من اطاعت نمود، داخل جنت شد و کسی که از من نافرمانی نمود، خودش نخواسته است که به جنت داخل شود!

۵- وحدت کلمه و دوری از فتنه و اختلاف

تحکیم وحدت ملی در بین مسلمانان و توحید صفوف آنها از مهمترین اهداف و مقاصد اسلام است.

نصوص زیادی در قرآن و سنت اهمیت این موضوع را برای مسلمانها تذکر می دهد که متحد باشند و از اختلاف و افتراق اجتناب نمایند. خداوند متعال می فرماید:

﴿وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ﴾ (المؤمنون: ۵۲).
 «و هر آینه این است ملت شما، ملت یکتا و من پروردگار شمایم پس از من بترسید».

و در حدیث آمده است: مؤمن برای مؤمن همانند بنیان است، بخشی از آن بخش دیگر را محکم نگه می دارد!^۱
 و مراسم حج یکی از مهمترین مظاهر وحدت امت اسلامی است چرا که در اثنای ادای این فریضه، اقشار مختلف از مسلمانان با زبانها و رنگهای مختلف از اطراف و اکناف عالم آمده و بخاطر هدف واحد جمع میشوند.
 پیامبر ﷺ نیز این فرصت را غنیمت شمرده، اهمیت حفظ وحدت را برای دوستان خویش بیان داشته است.

مثال های تأکید آن حضرت بر حفظ وحدت امت اسلامی در موسم حج:

الف: مساوات در بین افراد امت و اینکه فضیلت و برتری تنها بر تقوی می باشد، جائیکه فرمود: پروردگارتان یکی می باشد و پدر شما یکی است، آگاه باشید! شخص عربی بر عجمی (غیر عرب)، و عجمی بر عربی فضیلت

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۲۴۴۶.

ندارد و نه هم سفید پوست بر سیاه پوست و نه سیاه پوست بر سفید پوست مگر به تقوی^۱ (خوف از خداوند).

ب: دستور آن حضرت به فرمان برداری و خیرخواهی برای ولایه امر (اولیای امور مسلمانها) تا وقتی که به قرآن کریم عمل نمایند، جایی که فرمود: اگر غلامی سیاه پوست بر شما حاکم مقرر شد، تا وقتی که به کتاب الله (قرآن کریم) عمل می نمود، سخن او را بشنوید و از او اطاعت کنید^۲.

ج: نهی شدید آن حضرت از آنچه که سبب افتراق در دین و باعث فتنه در مجتمع اسلامی شود مانند ریختن خون مسلمانها، چنانکه بعد از اینکه از مردم خواست تا ساکت شوند، فرمود: پس از من کافر نشوید که بعضی از شما گردنهای بعضی دیگر را بزند^۳.

پیامبر خدا ﷺ با استفاده از این اجتماع عظیم برخی از مسایل عمومی و اجتماعی را برای مسلمانها بیان نمود، مثل نهی شدید از بی پروائی در برابر خون، مال و آبروی دیگران؛ چنانکه در هر سه خطبه (خطبه عرفات، خطبه روز عید و خطبه ایام تشریق)، حضرت پیامبر ﷺ، صحابه کرام را مورد خطاب قرار داده و فرمود:

۱ - مسند امام احمد، حدیث شماره: ۲۳۵۳۶.

۲ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۹۸.

۳ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۲۱.

خونها، مالها و آبروهای شما در بین شما حرام است مانند حرمت این روز در این ماه و در این شهر شما^۱.

و نهی از ظلم و گرفتن مال دیگران بدون رضایت آنها، جایی که فرمود: خبردار! ظلم نکنید (این جمله را سه بار تکرار نمود)، خوردن مال شخص مسلمان جایز نیست مگر با رضایت کامل آن شخص^۲.

و مانند باز داشتن از وصیت برای وارث: و در این مورد فرمود: خداوند متعال حق هر صاحب حق را برایش معلوم کرده است، پس روا نیست که کسی برای وارثین (بیش از مقداری که شریعت برای آنها تعیین نموده) وصیت نماید^۳.

و همچنین نهی از غیبت مسلمان و دست درازی به آبروی مؤمن: بطوری که وقتی از آن حضرت در باره تقدیم و تأخیر در اعمال روز نحر (روز عید قربان) سوال شد، فرمود: هیچ باکی ندارد، پروایی نیست مگر بر کسی که آبروی شخص مسلمان را بریزد، این حرج و هلاکت است^۴.

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۶۷، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۲ - مسند امام احمد، حدیث شماره: ۲۰۶۹۵.

۳ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۲۲۱۸.

۴ - سنن ابو داود، حدیث شماره: ۲۰۱۵.

و همین طور آن حضرت ﷺ امت خویش را از فتنهٔ دجال بر حذر داشت و فرمود: هیچ پیامبری نیامده مگر اینکه امت خود را از دجال ترسانده است، و پس از آن بعضی از نشانه‌های دجال را بیان نمود^۱.

۶- فرماندهی کامیاب

خداوند متعال، پیامبر خود را محبوبیت خاصی بخشیده بود، مهر و محبت آن حضرت در قلبها جای داشت و صحابهٔ کرام که از اخلاق و رفتار آن حضرت نهایت متأثر شده بودند، می‌خواستند که همیشه در خدمت آن جناب باشند.

به همین دلیل وقتی که رسول خدا ﷺ اعلان حج نمود، بیش از یکصد هزار تن از مسلمانان به آرزوی اینکه از فیوضات و برکات نبوی مستفید شوند پروانه وار اطراف آن حضرت جمع شدند. هر کدام می‌خواست به او اقتدا کند، عمل آن حضرت را مشاهده کرده و مثل آن عمل نماید^۲.

این سفر مبارک بر صحابهٔ کرام رضوان الله عنهم اجمعین تأثیر عمیق بر جا گذاشت و در تزکیهٔ نفوس آنها نقش مهم و اساسی بازی نمود.

۱- برای تفصیل بیشتر مراجعه شود به: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۴۴۰۳.

۲- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

در این مبحث کوشش داریم تا جوانبی هر چند مختصر از بر خورد و روش عالی آن حضرت با مشارکین حجة الوداع خدمت خوانندگان ارائه نماییم:

الف - اسوه حسنه: در قرآن کریم خداوند متعال کسانی را که به کاری امر می نمایند و خود آنرا انجام نمیدهند، مورد نکوهش قرار داده و می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿۳﴾ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿۲﴾﴾ (الصف: ۲-۳).

«ای مسلمانان چرا می گوئید آنچه انجام نمی دهید؟ بسیار ناپسندیده است نزد خدا آنکه بگوئید چیزی را که نمی کنید!».

و شکی نیست که اخلاق آن حضرت قرآن بود، و هر گاه که امت را به کاری امر می فرمود قبل از همه خودش آن کار را انجام می داد و اگر از چیزی نهی میکرد، خود قبل از همه آن چیز را ترک می نمود.

این اخلاق عالی و پسندیده پیامبر خدا ﷺ در مواقع زیادی از موسم حج بوضوح بنظر می رسد. بطور مثال:

در خطبه تاریخی حجة الوداع فرمود: آگاه باشید! تمام بقایای امور جاهلیت زیر پایم گذاشته شده است (هیچ ارزشی ندارد)، خونهای زمانه

۱ - چنانکه سیده عایشه رضی الله عنها آن حضرت را وصف می کند، نگا: مسند امام حمد، حدیث های شماره: ۲۴۶۲۹، ۲۴۱۳۹، ۲۳۴۶۰.

جاهلیت گذاشته شده است و اولین خونی را که هدر اعلان میکنم (از خونهای ما است) خون پسر ربیعہ ابن حارث است که در بنی سعد شیر می خورد و کسانی از قبیلہ ہذیل او را کشتند.

و سود زمان جاهلیت نیز گذاشته شده است و اولین سودی را که باطل اعلان می کنم، سود عباس ابن عبدالمطلب است^۱.

و از آن جمله: وقتی که صحابہ کرام را تشویق به نیکی، اطاعت از پروردگار و خضوع در مقابل ذات پاک الهی می نمود، خود آن حضرت از همه بیشتر به الله متعال نزدیکی جسته و در مقابل او تعالی تضرع و کرنش نشان می داد^۲.

و از آن جمله: و آنگاه که اصحاب خویش را تشویق به بی رغبتی در دنیا و تعلق به آخرت می نمود^۳، خود با وسایل سفری که کهنه بود حج می کرد و قطیفه ای (پتو یا شال) داشت که ارزش آن به چهار درهم نمی رسید^۴.

و از آن جمله: وقتی که مردم را به آرامش و وقار در ادای "سُك" دعوت می نمود، خود با اطمینان تمام در حالی که سکون و آرامش کامل داشت از "مزدلفه" بطرف "منی" حرکت نمود^۱.

۱ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۲ - نگاه: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۵۱.

۳ - مسند امام احمد، حدیث شماره: ۶۱۷۳.

۴ - سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۲۸۹۰.

و از آن جمله: آنگاه که برای مردم بیان نمود که کم کردن موی و یا تراشیدن سر هر دو جایز است اما حلق (تراشیدن سر) فضیلت بیشتر دارد (و آن حضرت بر اکسانی که سرهای خود را تراشیدند دعای خیر نمود^۱)، خود آن جناب سر مبارک خویش را تراشید^۲.

خواننده گرامی! مهم این است که متوجه باشیم پیامبر گرامی اسلام ﷺ خویش را قدوه و اسوه حسنه برای صحابه کرام قرار داده بود تا اعمال و حرکات او را دیده و عملاً پیروی نمایند؛ چرا که پیامبر خدا برای کسانی که مسئول بالا کشیدن و توزیع آب بودند، فرمود: اگر ترس از این نمی بود که مردم بر سر کشیدن آب با شما منازعه کنند، من نیز با شما آب بالا می کشیدم^۳.

یعنی اینکه صحابه اگر ببینند که من آب بالا می کشم این عمل را سنت دانسته و به من اقتدا می کنند و هر کدام کوشش می نماید که آب بالا بکشد و شما را نمی گذارند تا به راحتی به وظیفه خویش ادامه دهید.

۱ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۸۸۶.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره ۱۷۲۷، ۱۷۲۸.

۳ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۷۲۹. و در همین حدیث آمده است که بعضی از صحابه کرام موهای خویش را کم نمودند.

۴ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

پس چه خوبست که دعوتگران امت اسلامی به پیامبر بزرگ و امام خود اقتدا نمایند، خویشان را قدوة حسنه و اسوة نیکو برای سایر برادران شان بگردانند... در امور خیر از همه جلو تر و از منهیات دور باشند.

ب- امر به معروف و نهی از منکر: امر نمودن به کارهای پسندیده و باز داشتن از کارهای بد، محور شریعت اسلامی و وظیفه اصلی پیامبران الهی و دعوتگران می باشد؛ که اگر این شعیره ترک شود جهالت و گمراهی به اوج خویش رسیده و اصلاح، دینداری و همدردی کمرنگ می شود^۱.

و اگر سامعین و مخاطبین قبول نکنند، باز هم وظیفه عالم و داعی اینست که پیغام حق را برساند و هدایت به دست پروردگار است، چنانکه می فرماید:

﴿إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ
بِالْمُهْتَدِينَ﴾ (القصص: ۵۶).

«ای محمد! هر آئینه هر که را تو دوست می داری هدایت نمی نمایی و لیکن خدا هر که را خواهد هدایت می نماید و او به راه یافتگان داناتر است». و اگر به زندگی با برکت پیامبر خدا ﷺ دقت و فکر نماییم، در میابیم که آن حضرت حیات خویش را به بیان کارهای پسندیده و تشویق به آن، و نهی از کارهای زشت و مغایر با کرامت انسانی و اخلاق اسلامی سپری نموده است.

۱ - نگا: إحياء علوم الدين از امام محمد غزالی ۳۰۶/۲.

طبیعی است که آن حضرت در موسم حج نیز بر همین منوال بوده بلکه فرصت را غنیمت شمرده و فریضه امر به معروف و نهی از منکر را با اهمیت بیشتری برای صحابه و دوستان خویش بیان داشته است، که به ذکر چند مثال در اینجا اکتفا می کنیم:

۱- ابن عباس رضی الله عنه روایت می کند: پیامبر صلی الله علیه و آله شنید که شخصی در هنگام احرام بستن گفت: لَبَّيْكَ از طرف "شُبْرُمَه" (گویا که می خواست از طرف شبرمه حج کند). آن حضرت سوال کرد: شبرمه کیست؟ شخص جواب داد که برادر من است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آیا برای خود حج کرده ای؟! آن شخص جواب داد: نه! پیامبر برایش فرمود: اول از طرف خود حج ادا کرده و بعد از آن برای شبرمه حج کن!

۲- خشم و غضب آن حضرت بر کسانی که قربانی همراه خویش نیاورده بودند و با وجود این هم نمی خواستند از احرام بدر آیند^۲، که برایشان فرمود: پس خود را حلال نمایید! (از احرام بیرون شوید)، صحابه کرام به سرعت اطاعت امر کرده و از احرام بیرون شدند^۳.

۱ - سنن ابو داود، حدیث شماره: ۱۸۱۱.

۲ - نگاه: صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۱.

۳ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۷۳۶۷، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۶.

۳- در اثنای طواف بیت الله الحرام شخصی را دید که دست شخص دیگری را با نخ (یا مشابه آن) به دست خویش بسته بود، پیامبر ﷺ آن نخ را قطع نمود و برایش فرمود: از دستش بگیر!^۱

۴- انکار عملی آن حضرت بر فضل ابن عباس آنگاه که دختر جوانی از قبیله "خثعم" را نگاه میکرد، به طوریکه در حدیث ابن عباس ﷺ آمده است: فضل ابن عباس پشت سر پیامبر سوار بود (و فضل جوان خوش سیما، سفید پوست و با موهای جذّاب بود) که زنی از قبیله خثعم آمد و از پیامبر سوال می کرد، در این هنگام فضل به آن زن نگاه می کرد و او نیز فضل را زیر نظر داشت. پیامبر چهره فضل را بطرف دیگر گرداند...^۲ و در این عصر که جهل و نادانی در بین حجاج بیشتر شده است و اکثراً ناخواسته و بدون اینکه نیت بدی داشته باشند در گناه و یا حرام واقع می شوند؛ بر علمای اسلام لازم است که با قدرت و شهامت هر چه بیشتر مسایل دینی را برای عوام بفهمانند. و چه خوبست برای فرد مؤمن در مسایلی که می داند و علم دارد، راهنمای برادر مسلمان خویش باشد.

ج- تواضع و فروتنی آن حضرت: تواضع از جمله صفتهای بسیار پسندیده، و در حقیقت وقار، عزّت و کرامت برای آن شخص می باشد. خداوند متعال بنده متواضع خویش را بلند برده و قدر و منزلت می بخشد.

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۲۰.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۸۵۵.

در حدیث آمده است که پیامبر ﷺ فرمود: کسی که به خاطر خدا تواضع کند، خداوند او را بلند می برد^۱ (منزلت و رفعت می دهد).
و همچنین پروردگار بزرگ، پیامبر خویش را به فروتنی امر می نماید و می فرماید:

﴿وَإِخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (الشعراء: ۲۱۵).

«و پایین کن بال (محبت و مودت) خود را برای آنان که پیروی تو کردند از مسلمانان (یعنی تواضع کن)».

و پیامبر ﷺ نیز دستور پروردگار خویش را اطاعت می فرماید، و در تواضع به جایی می رسد که هیچ یک از بندگان امکان رسیدن به آن مقام را ندارد.

آن حضرت کارهای شخصی اش را خود انجام می داد، برای اهل بیت و خانواده خویش خدمت می نمود، کفش و لباس خویش را می دوخت، بز خویش را بدست مبارک خود میدوشید، اسباب و کالای خویش را خود بدوش می کشید، اطفال را سلام می کرد و با آنها بازی می نمود و خلاصه اینکه از بقیه اصحاب خویش تمایز نداشت، سیاه و سفید و یا ثروتمند و فقیر اگر او را دعوت به مهمانی می نمود دعوت او را می پذیرفت^۲.

۱- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۲۵۸۸.

۲- به طور مثال به: صحیح بخاری، حدیثهای شماره: ۶۷۶، ۶۰۷۲، ۶۲۴۷ مراجعه شود.

و گاهی میشد که کنیز سیاه پوست خدمت آن حضرت آمده و هر جا که می خواست ایشان را با خود میبرد.^۱

با وجود این همه، امت را از غلو در باره شخصیت مبارک خویش سخت منع می فرمود که او را از مقامی که خداوند به او داده بالا تر نبرند، چنانکه فرمود:

در باره من غلو نکنید چنانکه مسیحیان در باره عیسی علیه السلام غلو نمودند، من بنده خدا هستم و بگویید: بنده خدا و فرستاده خدا.^۲
و در موسم حج نیز تواضع آن حضرت در مواضع متعدّد بوضوح به چشم می خورد:

۱- با اسباب و وسایل کهنه سفر و قطیفه ای که بیش از چهار درهم ارزش نداشت، حج کرده است.^۳

۲- آن حضرت ﷺ نمی خواست از بقیه مردم تمایز داشته باشد، و چون عباس ابن عبدالمطلب رضی الله عنه برایشان به طور خصوصی آب آورد، فرمود: من به این آب ضرورت ندارم از آبی که سایر مردم می نوشند برای من نیز بدهید.^۴

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۶۰۷۲.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۳۴۴۵.

۳ - سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۲۸۹۰.

۴ - نگاه: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۳۶.

- ۳- اسامه ابن زید رضی الله عنه را که غلام آزاد شده ای بود از "عرفه" تا "مزدلفه" به پشت سر خویش سوار نمود، در حالیکه همه مردم او را می دیدند.^۱
- ۴- برای زنی از عامه مسلمانها ایستاد و به سوالهای آن زن گوش فرا داده و بعد از آن پاسخ ارائه فرمود.^۲
- ۵- هر یک از مسلمانها به راحتی می توانست که خدمت آن حضرت حاضر شده و مشکل خویش را مطرح کند و یا ملاقات نماید؛ بدون اینکه دروازه بان، حاجب و یا پهره دار وجود داشته باشد.^۳
- ۶- آن حضرت در روز قربانی شصت و سه شتر با دست مبارک خویش قربانی نمود این کار را برای خویش مشکل و یا کسر شأن ندانست، با وجود اینکه می توانست از طرف خود نائب بگیرد.^۴
- و خلاصه کلام این که با تواضع و مهربانی، رسول خدا صلی الله علیه و آله دلهای مردم را بسوی خویش جلب نمود به طوریکه همه به او عشق می ورزیدند و حاضر بودند خویشتن را فدای آن حضرت نمایند...
- و همین طور شایسته است که طلبه علم و داعیان راه حق با تاسی از پیامبر بزرگوار خویش در مقابل مسلمانان و خصوصا سالخوردگان، زنان و اطفال

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۵۴۴.

۲ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۳۳۵.

۳ - نگاه: صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۷۴.

۴ - سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۳۰۷۴.

تواضع و مهربانی نشان داده، مساعد و معاون آنان باشند تا اعتماد حجاج و زائرین را جلب نمایند که در نتیجه رضای خداوند را بدست بیاورند و دعوت شان مورد قبول واقع گردد.

۵- رحمة للعالمین: جای هیچگونه شک و شبهه ای نیست که اسلام دین رحمت بوده و شریعت اسلامی مبنی بر شفقت و عاطفه است و حضرت محمد ﷺ نیز از طرف خداوند بزرگ رحمت فرستاده شده است. خداوند متعال می فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ (الأنبياء: ۱۰۷)

«و تو را جز مایه مهربانی برای جهانیان نفرستاده ایم».

آن حضرت ﷺ می فرماید: من محمد هستم ... من پیامبر توبه و پیامبر رحمت می باشم^۱.

پیامبر بزرگوار اسلام در طول زندگی مبارک خویش برای مردم رئوف و رحیم بود. روایات زیادی از صحابه کرام آمده است که شمول رحمت آن جناب و شفقت و مهربانی اش را وصف می کنند^۲.

۱ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۲۳۵۵.

۲ - بطور نمونه مراجعه شود به: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۶۲۸، صحیح مسلم،

حدیث شماره: ۲۳۱۶.

و در حج مثال های زیادی است که رحمت آن حضرت را به نمایش می گذارد:

- ۱- دستور اکید آن حضرت به آنعده از صحابه که "هدی" با خود همراه نداشتند بر اینکه خود را حلال نمایند^۱ که در نتیجه همبستری با زنان، پوشیدن لباس و استعمال خوشبوئی را برای آنها نوید می داد؛ پیامبر خدا این دستور را از روی رحمت و شفقت که بر صحابه خویش داشت صادر نمود.
- ۲- جمع بین نمازهای ظهر و عصر در "عرفات"^۲، و تأخیر نماز مغرب تا وقت رسیدن به "مزدلفه"، تا حجاج دچار مشقت و سختی نشوند.^۳
- ۳- آن حضرت برای ضعیفان و سالخوردهگان اجازه داد شب هنگام پیش از بقیه مردم از "مزدلفه" خارج شوند تا به "منی" زود تر رسیده و اعمال روز نحر (روز دهم) را قبل از ازدحام و هجوم حجاج انجام دهند.^۴
- ۴- آسان گیری با حجاج در تأخیر و تقدیم اعمال روز دهم (عید قربان) که در جواب سوال آنها می فرمود: «افعل و لا حرج» یعنی انجام بده و هیچ باکی ندارد.^۵

۱- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۲۱۳۱، ۱۲۱۳.

۲- صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۳- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۳۶.

۴- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۵۶۷.

۵- صحیح بخاری، حدیث شماره: ۸۳.

۵- آن حضرت برای آن‌عده از اصحاب که در مکه کارهای ضروری داشتند (و از آن جمله برای عباس رضی الله عنه که وظیفه سقایة الحاج را به عهده داشت) اجازه داد تا شبهای "منی" را در مکه بخوابند^۱. و برای ساربانان (شترچرانان) اجازه داد که رمی دو روز بعد از روز نحر را در یک روز بزنند^۲.

۶- رسول خدا برای کسانی که حج بر آنها فرض شده بود و خودشان نمی توانستند حج انجام دهند، اجازه داد تا اشخاص دیگری به نیابت از آنها حج نمایند^۳.

۷- گاهی وقت آن حضرت بخاطر شفقت و رحمت بر مردم فعل افضل را ترک نموده و به قدر جایز اکتفا می نمود؛ بطور مثال: "طواف" و "سعی" را سواره انجام داد در حالیکه مشی (با پای رفتن) بهتر است و این عمل را بخاطر این انجام داد که صحابه کرام آن حضرت را ببینند و مسایل خویش را به راحتی استفسار نمایند^۴.

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۴۵.

۲ - نگاه: جامع ترمذی، حدیث شماره: ۹۶۸.

۳ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۳۳۵.

۴ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۲۲۱۷.

۸- مهربانی و شفقت خاص برای مریضها و عیادت آنها و دستور آن حضرت که آنچه برایشان آسان تر است همان را انجام دهند.^۱

پس کسی که می خواهد مورد رحمت پروردگار قرار گیرد، در مراسم حج که موقع نزول رحمت و برکات خداوندی است، ضعیفان، مریضها و سالخوردهگان را مورد عنایت و شفقت خویش قرار دهد.

پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ می فرماید: کسی که رحم نکند مورد رحمت قرار نمی گیرد.^۲

و می فرماید: رحمت و شفقت برداشته نمی شود مگر از بد بخت.^۳

ه- احسان و نیکی با مردم: آنگاه که نفس انسانی در مقابل دنیا و زینتهای آن زهد و از خود گذشتگی نشان دهد، نیکی و احسان با مردم برایش آسان شده و عادی بنظر می رسد.

خداوند بزرگ می فرماید:

﴿ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ (فصلت: ۳۴).

(به شیوه ای که بهتر است پاسخ بده پس ناگاه آن کس که میان تو و میان

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۵۸۹۶، ۴۸۵۳، ۴۶۹۹.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۵۹۹۷، و به این معنی حدیثهای شماره: ۱۵۸۴، ۷۳۷۶.

۳ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۱۹۲۳.

وی دشمنی است گویا وی دوست صمیمی است.»
 طوری که از آیه کریمه به صراحت دانسته می شود احسان نمودن با مردم می تواند دشمنی را به دوستی تبدیل نموده و احیانا اگر کدورت و ناراحتی وجود داشته باشد، محبت و مودت را جاگزین آن سازد.
 و اگر در زندگی پیامبر خدا ﷺ دقت نماییم، در میابیم که از یک طرف در کمال زهد و بی رغبتی در امور دنیا زندگی گذرانده؛ چنانچه روزها می گذشت و در خانه آن حضرت آتش روشن نمی شد و غذای آن حضرت و اهل بیتش آب و خرما بود^۱ و از جانب دیگر سخاوتمندترین انسانی بود که تاریخ بیاد دارد^۲ و طوری عطا و بخشش می نمود مثل کسی که اصلا از فقر نترسد^۳. و می فرمود:
 اگر به اندازه کوه «أحد» مال می داشتم، دوست داشتم که قبل از این که سه روز بگذرد همه را در راه خدا انفاق نمایم، مگر مقداری که برای قرض نگه دارم.^۴
 و در موسم حج احسان آن حضرت ﷺ با امت به اوج خویش می رسد، به طوریکه در هر لحظه احسان و نیکی پیامبر خدا ﷺ مبرهن است.

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۲۵۶۷.

۲ - نگاه: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۶.

۳ - نگاه: صحیح مسلم، حدیث شماره: ۲۳۱۲.

۴ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۲۳۱۲.

بطور مثال چند نمونه را در اینجا ذکر می‌کنیم:

- ۱- یک روز کامل در "ذوالحلیفه" (میقات اهل مدینه) انتظار می‌نماید تا هر که اراده حج دارد به آن حضرت پیوندد.^۱
- ۲- در روز نحر (روز عید قربان) صد شتر قربانی کرد و گوشت و پوست همه را در بین مستمندان تقسیم نمود^۲ و به علاوه از آن در جاهای متعدد صدقه تقسیم نمود.^۳
- ۳- احسان خاص با "اسامه ابن زید" و "فضل ابن عباس" که آنها را در اثنای تنقل بین "عرفه"، "مزدلفه" و "منی" پشت سر خویش سوار نمود.^۴
- ۴- وصیت و سفارش خاص در خطبه‌ها در مورد ضعیفان^۵ و تعلیم و تربیت آنها و رفق با ایشان.^۶
- ۵- حرص آن حضرت بر نجات امت و قبول طاعت و عبادت آنها به درگاه الهی، و آن گاه که یکی از اصحاب از آن حضرت دعا خواست برای کافه امت مسلمان دعا فرمود: خداوند همه شما را پیامرزد.^۱

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۵۵۱.

۲ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۳۳۷.

۳ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۶۷۹.

۴ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۵۴۴.

۵ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۱۸.

۶ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۴۸۵۳، صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۰۷.

۶- حرص آن حضرت که اصحاب خویش را از فتنه و مواضع تهمت دور نگه دارد، بطورمثال:

دو تن از صحابه کرام نماز را در کاروانهای خود خوانده و بعدا به مسجد "خیف" آمدند و پیامبر خدا با صحابه کرام نماز جماعت را ادا می نمودند و آن دو صحابی به گوشه مسجد نشستند و در جماعت شرکت نکردند، بعد از نماز پیامبر خدا به آنها گفت: این کار را نکنید اگر نماز را خوانده بودید و به مسجد آمدید و مشاهده نمودید که جماعت بر پا است، با جماعت نماز بگذارید، این نماز برای شما نفل بشمار می رود.^۲

۷- حرص شدید آن حضرت بر اینکه همه صحابه کرام و مشارکین مراسم حج خطبه ها و سخنرانی های آن حضرت را بطور احسن درک کنند و آن حضرت دین را برای آنها بطور کامل برساند.^۳

پس اگر کسی خواستار رضای الهی و بدست آوردن فضل پروردگار است، به اخلاق و کردار رسول خدا این اسوه حسنه اقتدا نماید و آنچه از علم، مال و ثروت دارد از نیاز مندان باز ندارد.
خداوند بزرگ می فرماید:

﴿وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (البقرة: ۱۹۵).

۱ - مسند امام احمد، حدیث شماره: ۱۵۹۷۲.

۲ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۲۱۹.

۳ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۶۱۶.

«و نیکو کاری کنید هر آئینه خدا نیکو کاران را دوست می دارد».

و- صبر و شکیبائی

صبر: زادِ راه متقیان، توشهٔ دعوت‌نگران، دروازهٔ کامیابی و از بهترین اعمال خیر است که بدون آن به فتح و ظفر نمی توان رسید، امامت بغیر از آن به دست نیامده و قیادت امکان پذیر نیست، و بزرگان امت این امر را بخوبی درک نموده بودند.

عمر فاروق رضی الله عنه می فرماید: بهترین زندگی خویش را به صبر یافتیم^۱.
 وعلی رضی الله عنه فرموده است: صبر، سواری است که هرگز به زمین نمی خورد^۲.
 پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در موسم حج قبل از همه بندهٔ مطیع و فرمان بردار بود و کوشش می نمود که در حین ادای نسک کمال تذلل و انکسار را در مقابل پروردگار خویش به نمایش بگذارد... و در عین حال آن حضرت قاید، سردار و رهبر اجتماع اسلامی و مسئول وحدت و رمز یک پارچگی آنان بود... به طوری که وظیفهٔ تعلیم و ارشاد آن توده های عظیم انسانی از رنگها و زبانهای مختلف را بعهده داشت... و به علاوه آن ادای مناسک حج در آن زمان که امکانات و رفاه امروزی وجود نداشت خالی از مشکلات نبود،

۱- صحیح بخاری، ص: ۱۱۲۲.

۲- مدارج السالکین ۱۲۸/۲.

خصوصاً اینکه مسئولیت سرپرستی نه همسر پیامبر همراه با ضعیفان فامیل نیز بر عهده آن حضرت بود.

و با وجود همه این مشکلات تعداد مشارکین مراسم حج زیاد بوده و آنها از اقوام، شهرها و قبایل مختلف بودند که سالهای متمادی با هم رزمیده اند، و تعداد زیادی از آنها تازه اسلام را قبول کرده بودند و هنوز روح اسلام در آنها خوب راسخ نشده بود... وقتی که همه این حالات را با هم تصوّر نمائیم، در میابیم که صبر آن حضرت چقدر زیاد بوده است و چه اندازه مشقّت و سختی تحمل نمود تا مراسم حج به آرامی و موفقیت سپری شد و تا ابد درس وحدت و شفقت، صبر و از خود گذشتگی، ایثار و مهربانی و تعلیم تعلّم را برای مسلمانان به یادگار گذاشت.

ز- رفق و نرمی

نصوص زیادی در قرآن و سنّت وجود دارد که رفق و اهمیت آن را در زندگی مسلمان، برای ما بیان می دارد.

پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ می فرماید: هر امری که رفق در آن باشد، آن امر را زینت می بخشد و از هر کاری که رفق برداشته شد آن کار زشت (بی برکت) می شود!

و می فرماید: کسی که از رفق محروم شد از همه خیر محروم شده است!

رفق و نرمی در کارها، علامت دانائی و نشانهٔ حکمت شخص است که محبت و دوستی را زیاد نموده و در زندگی نتایج بسیار مثبتی به بار می آورد. خداوند متعال رفق و نرمی پیامبر خویش را چنین توصیف می کند:

﴿فِيمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾ (آل عمران: ۱۵۹).

«پس به سبب مهربانی از خدا برای ایشان نرم شدی و اگر درشت خوی سخت دل می بودی از دور و بر تو پراکنده می شدند پس در گذر از ایشان و برای ایشان آمرزش خواه و با ایشان در این کار مشورت کن».

در احادیث متعددی از کتب حدیث، تعداد زیادی از صحابه کرام رفق و نرمی آن حضرت را بیان می کنند.^۱

و این صفت بزرگ پیامبر ﷺ در حج بیشتر متجلی می شود، که چند واقعه را بطور مثال را ذکر می نمایم:

۱ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۲۵۹۲، و مشابه همین حدیث در: صحیح بخاری، حدیث شماره: ۶۰۲۴.

۲ - بطور نمونه مراجعه شود به: صحیح بخاری، حدیثهای شماره: ۶۲۸، ۶۷۴، ۲۳۳۹ و صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۵۴۸.

- ۱- آن حضرت ﷺ یکی از اصحاب را مشاهده نمودند که افسار شتر قربانی را به دست گرفته و شتر را بدنبال خویش می کشاند.
- پیامبر ﷺ فرمودند: شتر را سوار شو، صحابی گفت: این شتر برای قربانی است. پیامبر بار دوم برایش گفتند، و او نیز همان گفته خود را تکرار نمود و بالاخره در دفعه سوم برایش گفتند: وای بر تو شتر را سوار شو!^۱
- ۲- در هنگام "رمی جمرات" فرمودند: ای مردم! یکدیگر را نکشید و نه به یکدیگر آزار و اذیت برسانید.^۲
- ۳- آن حضرت ﷺ صحابه را تشویق نمود که بعد از ادای مناسک حج هر چه زودتر به خانه های خویش برگردند و این یک نوع احسان و رفق با آنها بود چرا که سفر قطعه ای از عذاب می باشد و فرمود: وقتی که یکی از شما حج خویش را ادا نمود، هر چه زودتر بسوی اهل خود برگردد که ثواب بیشتری دارد.^۳
- و شما ای برادر عزیز! که مسئولیت عظیم دعوت را بدوش داری، توجه داشته باش! که تعداد زیادی از حجاج محترم مناسک حج را بدرستی نمی توانند بجا بیاورند و شدیداً احتیاج دارند تا کسی در تعلیم، توجیه، نصیحت و سرپرستی آنها از رفق و نرمی کار گرفته و مسایل را بخوبی به آنها بفهماند.

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۸۹.

۲ - مسند امام احمد، حدیث شماره: ۱۶۰۸۷.

۳ - مستدرک ۶۵۰/۱، السنن الکبریٰ ۵۲۹/۵.

پس با حجاج همچون برادر مهربان، معلم مشفق و دوست صمیمی بر خورد
نموده و از سختی و درشتی در صحبت و غضب اجتناب نما، و آسان ترین و
بهترین را برای آنها انتخاب کن.

فصل چهارم

جوانب دیگری از قیادت آن حضرت

در موسم حج

نظم و اداره
رعایت حقوق دیگران
تشویق گروههای داوطلب
محبت و مودت
متانت و زیبایی

فصل چهارم

جوانب دیگری از قیادت آن حضرت در موسم حج

پیامبر خدا در موسم حج تدابیر زیادی به کار گرفت که اثر واضح در کامیابی قیادت آن حضرت داشت و باعث شد مردم، اوامری که از جانب آن حضرت صادر می شد اطاعت نموده و از دل و جان قبول نمایند؛ از آنجمله:

۱- نظم و اداره

پیامبر ﷺ مردم را در منی منظم و مرتب ساختند و هر گروه را در منزل معین جای دادند؛ چنانچه عبدالرحمن ابن معاذ رضی الله عنه از یکی از اصحاب آن حضرت روایت می کند که گفت: رسول خدا در منی برای مردم خطبه خوانده، منازل آنها را معین نموده و فرمودند: مهاجرین در آنجا، جایگزین شوند (و بطرف راست قبله اشاره کرد)، انصار در آن مکان قرار بگیرند (و به سمت چپ اشاره نمود) و بقیه مردم اطراف آنها مسکن داشته باشند^۱.

۲- رعایت حقوق دیگران

آن حضرت سعی زیاد برای حفظ حقوق دیگران به خرج داده و کوشش می نمودند که بطور کلی از ضایع حقوق دیگران جلوگیری نمایند؛ چنانکه عایشه رضی الله عنها خواست برای خویش سایه بانی در " منی " بسازد،

۱ - سنن ابوداود، حدیث شماره: ۱۹۵۱.

پیامبر ﷺ برایش اجازه ندادند و فرمودند: منی جای هر شخصی است که در آن زودتر جا بگیرد.^۱

و در این زمان با کمال تأسف مشاهده می‌نمائیم که عدّه ای دنیا دوست (از جمله مسئولین بعضی شرکت های خصوصی و بعضی حجاج که خود را در مقابل خداوند بزرگ مسئول میدانند)، با کمال وقاحت حقوق حجاج را ضایع نموده و با تصرفهای بی جا و غیر قانونی اجرای اعمال حج را برای مهمانان پروردگار دشوارتر می‌نمایند.

البته بیشتر مشکلات و نابسامانیهای که حجاج - خصوصاً - در منی با آن روبرو می‌شوند نتیجه ضعف در برنامه ریزی و منظم ساختن حجاج است که علاوه بر آن بعضی از حجاج قوانین و ضوابط موجوده را نیز بخاطر مصالح فردی خویش نادیده گرفته و در نتیجه ازدحام شدید رخ میدهد که گاهی منجر به تلف شدن و مجروح شدن برخی از آنها میگردد.

۳- تشویق گروههای داو طلب

پیامبر خدا ﷺ، بازوهای را که در خدمت مردم مشغول به کار بودند تشویق و تحریض می نمود. و برای آنها بعضی تسهیلات را نیز در نظر گرفت، چنانکه

۱ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۸۸۱، مستدرک حاکم ۱/۶۳۸.

برای عباس رضی الله عنه اجازه داد که شبهای منی را در مکه بخوابد زیرا که عباس برای مردم آب میداد.^۱

و برای آنعدّه افرادی که مشغول آب دادن حجاج بودند، فرمود: مشغول باشید؛ شما در حال انجام دادن کار نیکی هستید.^۲

۴- ترک سرزنش خطاکار

هر گاه یکی از صحابه کرام در خطا و یا اشتباهی واقع میشد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با آن شخص سختی و یا درشت خوئی نمی کرد؛ بلکه آن حضرت کوشش می نمود که مفهوم خطا را در ذهن شخص خطا کار تصحیح نماید تا آن شخص ارشاد شده و داوطلبانه دست از خطا بکشد که در این صورت چون به رغبت خویش خطا را ترک نموده دیگر کمتر به سراغ آن میرود.

و تجربه ثابت ساخته که اگر شخص خطا کار با اجبار و تعنیف از خطای خویش دست بکشد، چه بسا که مترصد باشد تا اگر فرصتی پیش آید به اعمال زشت و ناشایسته خویش و لو پنهانی ادامه دهد.

و رسول خدا نیز در موسم حج، خطاکار را ارشاد می نمود و سرزنش نمیکرد. بطور مثال:

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۷۳۴.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۱۶۳۶.

آنگاه که دو تن از صحابه در کاروانهای خویش نماز خوانده و بعداً نزد پیامبر آمدند - و در این حال پیامبر و مسلمانها با جماعت نماز ادا می نمودند - و آن دو صحابی چون قبلاً نماز خوانده بودند، لهذا در جماعت مسلمانها شریک نشده و در گوشه ای نشستند.

پیامبر ﷺ چون از موضوع اطلاع یافت، آندو شخص را سرزنش و عتاب فرموده بلکه برایشان فهماند که آنچه اولی است آنرا انجام داده و خویشان را از موضع تهمت دور نگه دارند!

۵- محبت و مودت

پیامبر بزرگوار اسلام با نرمی، اخلاق عالی، چهره گشاده و قلب مهربان مردم را بحضور می پذیرفت. بیشتر اوقات تبسم بر لبهای مبارک ایشان جای داشت و با اصحاب خویش مزاح می فرمود و خوشی و سرور را به قلبهای ایشان داخل می کرد.^۲

عبدالله ابن عباس رضی الله عنه روایت می کند که: ما، چند تن از نوجوانان بنوعبدالمطلب سوار بر خرها از مزدلفه بطرف منی آمدیم، رسول خدا با

۱ - جامع ترمذی، حدیث شماره: ۲۱۹.

۲ - مراجعه شود به: مختصر شمائل ترمذی، احادیث شماره: ۲۰۰-۲۰۵.

دست مبارک خویش آرام بر رانهای ما میزد و می فرمود: فرزندانم! قبل از طلوع آفتاب جمره نزنید.^۱

۶- متانت و زیبایی

رسول خدا در کنار اینکه اخلاق و رفتار عالی داشت به ظاهر خویش نیز رسیدگی می نمود و همیشه هیئت زیبا و ظاهری نیکو داشت و این زیبایی و حسن منظر را در وقت حج نیز بطور خاصی رعایت فرمود؛ چنانکه به موی سر خویش اهتمام نموده و سر خویش را تلخید نمود.^۲

و قبل از اینکه احرام ببندد و بعد از اینکه از احرام خارج شد، بهترین عطر و خوشبوئی را که در اختیار داشت استعمال کرد.^۳

و همچنین در وقت احرام بستن^۴ و پیش از اینکه به "مکه مکرمه" داخل شود غسل نمود^۵ تا گرد و غبار سفر را از خویش زودوده باشد.

و هم چنین با وقار و متانت خاصی اعمال حج را بجا آورد^۶ که ابهت، جلال و عظمت آن حضرت را چند برابر نشان می داد؛ چنانکه حارث ابن

۱ - سنن ابن ماجه، حدیث شماره: ۳۰۲۵.

۲ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۴۳۹۸.

۳ - صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۱۸۹.

۴ - نگا: جامع ترمذی، حدیث شماره: ۸۳۰.

۵ - نگاه: صحیح مسلم، حدیث شماره: ۱۲۵۹.

۶ - سنن نسائی، حدیث شماره: ۳۰۲۴.

عمرو السهمی رضی الله عنه در خاطرات حج خویش می فرماید: ... به نزد آن حضرت صلی الله علیه و آله رسیدم، در حالیکه در منی یا عرفات بود، مردم اطراف او حلقه زده بودند، صحرا نشینان (کوچیان) میآمدند و چون چهره انور آن حضرت را می دیدند می گفتند: این چهره نهایت مبارکی است!

و برای برادر دعوتگر که قدوه ای چون پیامبر بزرگ اسلام دارد، لازم است که به ظاهر خویش اهتمام نموده و هیئت نیکو و زیبا داشته باشد ... حشمت و وقار خود را حفظ کند و با متانت و ظاهر آراسته با مردم برخورد نماید که در نتیجه، محبت و ابهت او در قلبها جا می گیرد و مردم از هر طرف به او روی آورده و دعوت او را می پذیرند.

خاتمه

خواننده گرامی! گوشه های از احوال پیامبر ﷺ در حج، و چگونگی قیادت امت در این فریضة الهی و تعامل آن حضرت با اهل بیت و اقارب، صحابه کرام و آحاد مردم خدمتتان ذکر شد.

وهمین طور این سفر مبارک به پایان رسید و آنچه برای ما باقی میماند و باید آن را گرفته و از جان و دل بدان عمل کنیم، اطاعت و اتباع آن حضرت می باشد که گفته و فرمان پیامبر را بر گفته هر شخص دیگری مقدم نمائیم. و آنان که می خواهند سرچشمه نور و هدایت بوده و قیادت امت اسلامی را به دست بگیرند، یقین کامل داشته باشند که کامیابی و موفقیت در پیروی گفتار، اخلاق و عملکرد آن حضرت ﷺ نهفته می باشد.

والسّلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

فهرست بعضی از مراجع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. صحیح بخاری
۳. صحیح مسلم
۴. جامع ترمذی
۵. سنن ابو داود
۶. سنن نسائی
۷. سنن ابن ماجه
۸. مسند امام احمد
۹. صحیح ابن خزيمة
۱۰. السنن الكبرى للبيهقي
۱۱. زاد المعاد من هدي خير العباد
۱۲. الجامع لأحكام القرآن
۱۳. فتح القدير از كمال ابن همام حنفي
۱۴. إعلاء السنن از ظفر احمد عثمانی
۱۵. الكاشف للذهبي
۱۶. تقريب التهذيب از حافظ ابن حجر
۱۷. الإبانة الكبرى از حافظ ابن بطه
۱۸. مدارج السالكين از حافظ ابن قيم
۱۹. سير أعلام النبلاء
۲۰. السيرة النبوية
۲۱. فتح الباری
۲۲. البداية و النهاية